گسترش فعالیت قانونی حزب تودهٔ ایران مستقیماً با تحکیم پایه‌های انقلاب ایران پیوند دارد

مردم

ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

دوره‌هفدهم، سال‌دوم، شماره ۲۹۵
سه‌شنبه ۷ مرداد ۱۳۵۹، یکشماره ۱۵ ریال

اعلامیهٔ کمیتهٔ مرکزی فرقهٔ دمکرات آذربایجان ـ سازمان حزب تودهٔ ایران در آذربایجان

دربارهٔ حمله به دفاتر حزب در آذربایجان

روز چهارشنبه ۵۹/۵/۱ ساعت ۷ بعد از ظهر تعداد ۱۲ـ ۱۵ نفر افراد مشکوک و معلوم الحال درکسوت "مردم" درتبریز به دفتر فرقهٔ دمکرات آذربایجان ـ سازمان حزب تودهٔ ایران در آذربایجان هجوم برده و آنرا به اشغال خود درآوردند.

در اوضاع و شرایط کنونی که آمریکای جنایتکار با تمام قوا دست به توطئه علیه جمهوری اسلامی ایران زده و نه تنها دستاوردهای انقلاب منجمله آزادی‌های دمکراتیک، بلکه خود انقلاب را

بقیه در صفحهٔ ۳

"بعرقه ساعت سفوذدشمن خواهدشد. اگردشمن برکشورغلبه‌کندازتشرجدید وقشرقدیم، ازروحانی وقشرمتورـ الفکرکسی راباقی‌خواهدگذاشت."
"امام خمینی‌کیهان ۱۲ اسفند ۵۸"

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب تودهٔ‌ایران و دفاتر حزب در بسیاری از شهرستان‌ها هم‌چنان دراشغال گروه‌های غیرمسئول است. پس از صدور اطلاعیهٔ دادستانی کل کشور که این‌گونه اعمال را صریحاً" خلاف قانون اساسی وبه سود ضد انقلاب توصیف کرده‌بود، انتظار می‌رفت که گروه‌های غیرمسئول فوراً" از دفاتر حزب بیرون رانده شده و این دفاتر به مسئولین حزبی تحویل داده‌شوند.

ولی متاسفانه این کار به‌طول انجامیده و هنوز مقامات قانونی کشور در این جهت اقدام قاطع و فوری به‌عمل نیاورده‌اند. ما به این تعلل اعتراض داریم. مقامات قانونی دولت انقلابی بایدانقلابی و سریع عمل کنند و نباید اجازه دهند اقدامی که ضد انقلاب و مغایر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بوده تداوم یابد. دادستانی کل کشورنباید اجازه دهد که قانون اساسی ولو یک لحظه و یک ثانیه نقض گردد.

مقامات مسئول جمهوری اسلامی در رابطه با هجوم گروه‌های غیرمسئول به‌دفاتر حزب تودهٔ ایران از همان ابتدا با تعلل و سهل‌انگاری‌برخورد کردند. اگر آنان به مسئولیت خود درست عمل کرده بودند "اشخاص متفرقه" و عناصر غیرمسئول نمی‌توانستند در کوچه و بازار براه افتند و روز روشن دست به کارهایی بزنند که به‌سود ضدانقلاب است و مصالح عالیه کشور را به‌خطر می‌اندازد.

اینک وقت آن است که روش گذشته جبران‌شود و لااقل از این به‌بعد اجازه داده نشود که قانون اساسی زیرپا بماند. دادستانی کل کشور باید بیش از هرمقام دیگر و قبل از هرمقام دیگر پای‌بند اطلاعیه‌ای باشد که خود صادر کرده‌است. هرساعت تاخیر در تحویل دبیرخانه و دفاتر حزب تودهٔ ایران در تهران و شهرستان‌ها و محدود ماندن فعالیت قانونی آن ادامهٔ نقض قانون اساسی است که مسئولیت آن را دیگر نمی‌توان به‌دوش گروه‌های غیرمسئول انداخت.

حمله به‌دفاتر احزاب و از جمله حزب‌تودهٔ‌ایران نه‌تنها نقض قانون اساسی، بلکه بویژه عملی به سود ضد انقلاب " و نیات و افکار و نقشه‌های شوم آن" توصیف شده است. ساده‌ترین معنای این‌حرف این است که بر اثر این نوع‌اعمال‌هرج‌ومرج‌طلبانه، نظم انقلابی در کشور به‌هم می‌خورد و زمینه، برای گسترش فعالیت‌های ضد انقلاب و توطئه‌گران‌کودتاـ چی فراهم می‌آید. اما این معناـ چنان‌که‌گفتیمـ با تمام اهمیت و صحت خود هنوز ساده‌ترین و سطحی‌ترین معنا است.

حمله به دبیرخانه و دفاتر حزب تودهٔ ایران علاوه بر این معنا به‌دلایل دیگر و عمیق‌تری باضد انقلاب مربوط می‌شود که باید به آن‌ها توجه جدی نمود.

۱. نخستین نکته در این رابطه این است که حزب تودهٔ ایران پرسابقه‌ترین حزب سیاسی‌ایران است که مدت چهل‌سال استوار و قاطع در سنگرنبرد ضد امپریالیستی و ضد نظام استبداد سلطنتی و برای تحول بنیادی جامعهٔ ایران پای فشرده‌است. این حزب سی‌سال تمام از عمر خود را به‌دلیل همین قاطعیت انقلابی الزاماً" در حالت غیرعلنی به‌سر برده و به‌اصطلاح "غیرقانونی" بوده‌است. آغاز فعالیت علنی حزب تودهٔ ایران مستقیماً" مرهون انقلاب ایران است و هرنوع تجاوز به این فعالیت علنی بی‌چون وچرا به ضد انقلاب کمک می‌کند.

هربار و به‌هر شکلی که فعالیت حزب تودهٔ‌ایران محدود شود پشت همهٔ آزادیخواهان و نیروهای ضد امپریالیست ایران می‌لرزد. این وحشت به دل‌ها راه می‌یابد که مبادا بساط گذشته از نو به‌شکلی نو گسترده شود. حمله به‌دفاتر حزب‌توده ایران درست به‌همین دلیل ضد انقلابی است که می‌کوشد فاصله و تفاوت ماهوی میان جمهوری اسلامی ایران را با رژیم شاه از میان بردارد وچنین وانمود سازد که کاسه همان کاسه است و آش همان آش.

رژیم خیانت‌کار و جنایت‌پیشه شاه و اربابانش حزب تودهٔ ایران را به این بهانه "غیرقانونی" کردند که این حزب به جان شاه" سوءقصد"کرده است. آنانی‌که امروز به دبیرخانهٔ حزب ما و دفاتر آن هجوم برده‌اند بهانه‌های دیگری‌دارند. ایشان می‌گویند که در دبیرخانه و دفاتر حزب " شیشه‌عرق" و " مبل نرم" پیدا کرده‌اند. به‌نظر می‌رسد که بهانه‌گیری رژیم گذشته ظاهر جدی‌تری داشته است. هجوم‌کنندگان امروزی به حزب تودهٔ ایران می‌خواهند این فکر را به مردم تلقین کنند که برای سرکوب آزادی نیازی به پرونده‌سازی جدی هم نیست. کافی است فلان شخص از دیوارمنزلی بالا رود، فریاد برآورد که: " شیشه‌عرق" دیدم! و آن‌وقت دبیرخانهٔ‌یک حزب چهل ساله ـ و درست همان حزبی که درزمان شاه سی‌سال" غیرقانونی" بودـ بسته شود!

این وضع به‌شدت نگرانی‌آور و به‌سود ضدانقلاب است. ما از مقامات مسئول دولت جمهوری اسلامی ایران جداً" می‌خواهیم که برای ایجاد اطمینان‌در مردم، برای تحکیم اعتماد مردم به موازین‌وقوانین جمهوری اسلامی ایران، بلادرنگ دبیرخانه ودفاتر حزب تودهٔ ایران را تحویل دهند وفعالیت‌قانونی حزب ما را تضمین نمایند. تضمین فعالیت قانونی حزب تودهٔ ایران به‌معنای تضمین قانون اساسی، و کشیدن خط فاصل روشن میان جمهوری اسلامی ایران و رژیم جنایت‌کار پیشین‌دراین‌زمینه‌است.

۲. دومین نکته بسیار مهمی که نشان ارتباط عمیق حمله به دبیرخانه و دفاتر حزب تودهٔ ایران و نیات و نقشه‌های شوم ضد انقلاب است، این‌است که حزب تودهٔ ایران یکی از قاطع‌ترین و پیگیرترین نیروهای سیاسی ایران است که باتمام قوا از انقلاب ایران دفاع می‌کند و آن‌را از گزند ضد انقلاب‌مصون می‌دارند. حمله به این حزب و نابود کردن آن آرزوی قلبی بختیارها و اویسی‌ها و ارباب آن‌هاـ سیاـ است. به این معنا حمله به حزب‌تودهٔ‌ایران مستقیماً" به‌سود ضد انقلاب است. تکرارمی‌کنیم: سخن فقط بر سراین نیست که اصولاً" هرج و مرج و جو ناامنی و تشنج در کشور به‌سود ضد انقلاب است و هر کاری باید از مجرای‌قانونی آن انجام‌شودـ این هنوز یک‌صدم حقیقت است ـ سخن بر سر این است که حزب تودهٔ ایران یکی از سنگرهای اساسی انقلاب است. هر نوع تخریب در کار آن، هر نوع کوشش برای محدود کردن آن مستقیماً" به‌سود ضد انقلاب است.

ما از مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران که صادقانه برای مقابله باتوطئه‌گران و کودتاچیان می‌رزمند انتظار داریم که هر نوع محدودیت را از پیش پای حزب ما بردارند و امکان‌دهند که باتمام نیرو در سنگر انقلاب علیه ضدانقلاب بجنگیم.

۳. بهانه‌ها و دستاویزهای پست و مبتذلی که گروه‌های غیرمسئول پس از هجوم و اشغال دفاتر حزب، علیه ما تراشیده‌اند در همهٔ قشرها و طبقات اجتماعی حس انزجار و نفرت نسبت به جعل‌کنندگان و تهمت‌زنان برانگیخته است. مردم از این‌بهانه‌تراشی‌های مبتذل به این نتیجه‌می‌رسند که‌رشتهٔ‌این‌گونه امورددست‌عناصربسیاربی‌فرهنگی است. خود این امر مو بر تن مردم راست می‌کند.

اما در همین بهانه‌های مبتذل و بی‌فرهنگ باید سومین نکته‌ای را دید که حکایت از پیوند حمله به حزب تودهٔ ایران با ضد انقلاب می‌کند. درواقع حمله‌کنندگان به حزب‌تودهٔ‌ایران نه فقط عناصر مبتذلی هستند که عقلشان به بهانه‌گیری بهتری قد نمی‌داده، بلکه بویژه این مطلب مهم واساسی است که در مشی سیاسی و فعالیت روزمرهٔ حزب تودهٔ ایران حتی یک نقطهٔ تاریک وجود ندارد که بتوان آن‌را دستاویز قرار داد. وقتی به‌دبیرخانه می‌ریزند، در آن‌جا چیزی جز میز و صندلی وقلم و مداد و رادیو وماشین‌تحریر و روزنامه که وسیلهٔ عادی کار هر سازمان سیاسی است، پیدا نمی‌کنند. باقی می‌ماند نرمی و سفتی مبل‌ها!! کسی که چنین بهانهٔ مبتذلی را مطرح کرده، خودش می‌داند که مبتذل است، خودش می‌فهمد که همین بهانه‌دلیل محکومیت خوداواست ـ زیراتازه‌این‌بهانه‌پس‌ازاشغال دفتر "به‌دست آمده است" و نمی‌توانست دلیل اشغال باشد ـ ولی چاره‌ای ندارد. به حزب‌تودهٔ ایران چه ایراد دیگری می‌توان گرفت! از چه‌طریق دیگری می‌توان بهتر از این آبروی انقلاب را برد و به ضد انقلاب کمک کرد!؟

حزب تودهٔ ایران چهل سال است که در سنگر انقلاب ایران استوار ایستاده است.

این حزب‌نخستین حزبی است که اهمیت تامین استقلال ملی‌مردم‌ایران‌رادرنبردضدامپریالیستی مطرح ساخته و در راه آن رزمیده وصدها شهید داده است.

این حزب نخستین حزبی است که ضرورت سرنگونی سلطنت پهلوی و استقرار جمهوری رامطرح کرده و در راه‌آن رزمیده است.

این حزب‌نخستین حزبی است که ضرورت تحول بنیادی جامعه ایران را به‌سود زحمتکشان و درجهت ترقی و تکامل سریع جامعه ایران مطرح کرده و در راه‌آن کوشیده است.

حزب تودهٔ ایران نخستین حزبی است‌که‌ضرورت استقرار آزادی‌های دموکراتیک را مطرح کرده و همواره سنگر آزادی بوده است...

حزب تودهٔ ایران نخستین و تنها حزب ایران است که شعار تشکیل جبههٔ متحده‌خلق را در نبرد با امپریالیسم و استقرار حکومت انقلابی ایران مطرح کرده و صادقانه آن‌را پیش برده است...

نمی‌توان حتی یک شعار انقلابی یافت که حزب تودهٔ ایران یا مبتکر آن نبوده و یا سنگر دفاع قاطع از آن نبوده باشد.

از آغاز انقلاب کنونی، حزب تودهٔ ایران همواره و به‌طور قاطع از این انقلاب حمایت کرده، با تمام قوا برای پیروزی آن رزمیده و بیش‌از هر سازمان و حزب دیگری درایران، درروزهای انقلاب شهید داده است. از نخستین روز پیروزی‌انقلاب، حزب تودهٔ ایران با همهٔ دشمنان آن مقابله‌کرده، همهٔ توطئه‌های امپریالیستی را افشاء نموده و بدون‌کم‌ترین‌تزلزل‌ونوسان‌ازخط ضدامپریالیستی و خلقی امام خمینی قاطعانه دفاع کرده ومی‌کند.

به این‌حزب هیچ ایراد دیگری نمی‌توان گرفت جز این‌که اوباشی بطری عرق در دفتر حزب بگذارد و یا مامور ساواک ـ سیاـ رنجبر ادعا کند که بمبی در کلوب کشف شده است.

با توجه به مشی پیگیر انقلابی حزب، با توجه به تاریخ درخشان حزب‌تودهٔ ایران در دفاع از استقلال، آزادی و منافع مردم ایران، ما انتظار داریم که مقامات جمهوری اسلامی ایران هرگونه بندی را از پای این حزب پیش‌کسوت جنبش انقلابی ایران بردارند.

سرنوشت حزب توده ایران در تمام طول تاریخ آن با سرنوشت انقلاب ایران، با سرنوشت آزادی و استقلال ایران مربوط بوده و امروز نیز میان فعالیت حزب تودهٔ ایران و تحکیم‌پایه‌های انقلاب ایران پیوند مستقیم و ناگسستنی موجود است.

نقش فعال دولت بعثی عراق در ادامهٔ توطئه‌های خطرناک امپریالیستی علیه ایران

اخبار و گزارشهای نگرانی‌آوری از مناطق جنوب و غرب کشور می‌رسد که از جوانب خطرناک توطئه نازه‌ای که علیه انقلاب و جمهوری اسلامی‌ایران‌در حال تکوین است گواهی می‌دهد. طبق گزارش‌های منتشر در مطبوعات طی ۴۸ ساعت گذشته موارمرزی ایران و عراق در جنوب غربی کشور ناآرام بود. نیروهای مسلح دولت بعثی عراق‌به‌سوی‌جمدروستای مرزی ایران با سلاح های سنگین آتش گشودند. در منطقه دشت آزادگان از سوی واحدهای ارتش عراق روستاهای " سمسمه" و "برکه" واقع در موار مرزی و محل استقرار پاسداران با موشک‌های" آر پی جی ـ ۷" زیر آتش گرفته شد.

در دو روز اخیر درگیری‌های مسلحانه‌ای در تنگ‌هوان و " تنگستوساوه" از روستاهای مرزی‌ایران درگیری‌های مسلحانه‌ای بین واحدهای ارتش و پاسداران انقلاب با واحدهای ارتش عراق روی‌داده است. روز قبل مقب شهر زیر آتش گرفته شد و عملیات تخریبی عمال بعثی که به‌عنوان جزئی‌از نقشه امپریالیستی توطئه براندازی عمل می‌کنند ادامه یافت.

پس از کشف توطئه بزرگ کودتا و دستگیری‌عمال اصلی آن که شبکهٔ نظامی این توطئه را متشکل می‌دادند و در جریان کشف و بازجویی از شرکت ـ کنندگان در آن وجود یک شبکه سیاسی در این توطئه افشا گردید و از جمله معلوم شد که توطئهٔ جدیدی با اشکال دیگر در شرف تکوین و اجرااست و اینک که از نواحی جنوب و غرب کشور اخباری در مورد زدوخوردهای شدید و متمرکز ۲۰ هزار نفر در اطراف کرمانشاه و متمرکز دو لشکر از نیروهای مسلح دولت بعثی عراق به‌منظور پشتیبانی از توطئه‌گران می‌رسد، واقعیت وجود چنین توطئه‌ای که بخش دیگری از طرح‌های توطئهٔ بزرگ‌کودتااست، روشن‌تر می‌گردد.

دولت‌بعثی عراق در تمام توطئه‌ها و عملیات جنایتکارانه‌ای که علیه جمهوری اسلامی ایران طبق نقشهٔ امپریالیستی کاربر صورت گرفته همیشه نقش فعال داشته و با تجاوزات مسلحانه خود در نواحی مرزی ایران و عراق زمینه‌های لازم را برای اجرای این توطئه‌ها فراهم کرده است.

در توطئهٔ بزرگ کودتا، دولت بعثی عراق‌وظیفه تجاوز مسلحانه به‌مناطق مرزی ایران و حمایت‌ران این مناطق را به‌عهده گرفته بود، تا با این عمل‌توجه اصلی را از عملیات کودتاگران در مرکز کشور ودر تایر نقاط حساس منحرف سازد و در ضمن نیروهای ارتش و سپاه پاسداران انقلاب را برای رویارویی با کودتاچیان و نیروهای ضد انقلاب پشتیبان آنان، پراکنده و تضعیف نماید. اکنون نیز پس از شکست طرح کودتای تیرماه و دستگیری بخشی از مجریان نظامی این طرح، دولت بعثی عراق با عملیات تجاوزی و حملات مسلحانه به روستاها ونواحی‌مرزی ایران نقش خودرادرتدارک وتهیه زمینهٔ توطئهٔ جدید ایفاء می‌کند. این نقش را طراحان آمریکایی توطئه براندازی‌برای رژیم بعثی تعیین کرده‌اند.

مجموعهٔ این رویدادها گواه این واقعیت است‌که امپریالیسم آمریکا طرح‌های توطئه، مداخله‌نظامی و تجاوز مسلحانه علیه جمهوری اسلامی ایران را به منظور براندازی انقلاب و سرنگونی نظام‌جمهوری اسلامی ایران و روی کار آوردن رژیم دست‌نشاندهٔ خود یکی پس‌از دیگری به‌مورد اجرا درمی‌آورد.

دولت کارتر از یک‌سو عناصر ضد انقلابی درون کشور و آن دسجات و گروه‌هایی را که با اعمال غیر مسئول خود، آگاهانه و یا ناآگاه، از فعالیت آزاد و اتحاد عمل سازمان‌ها و نیروهای معتقد و مؤمن به انقلاب جلوگیری می‌نمایند و یا در راه ایجاد تفرقه و نفاق و درگیری‌ها در میان این نیروها کوشا هستند و یاعواملی که در صحنهٔ اقتصادی خرابکاری می‌کنند، بسیج کرده و به‌میدان می‌فرستد. از سوی دیگر دستور عملیات‌تجاوزی و حملات مسلحانه واحدهای نظامی دولت بعث عراق در مناطق مرزی ایران را صادر می‌کند تا زمینه را برای اجرای موفقیت‌آمیز توطئه‌های نظامی خود علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران آماده کند. در واقع مجموعهٔ‌این اقدامات و فعالیت‌های تب ـ آلود مشابه عناصر تشکیل دهنده و فراهم‌آورندهٔ زمینه‌های مساعد برای اجرای توطئه‌های امپریالیسم آمریکااست.

بقیه در صفحهٔ ۴

شاه مُرد

اما مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا ادامه دارد

امام‌خمینی رهبر انقلاب ایران در سال ۱۳۴۲ برای شاه مخلوع پیغام‌فرستاد: "کاری نکن که‌چون پدرت بمیری"و اوکاری کردکه‌چون پدرش مرد: در انزوای غربت درحقیقت خواری وخفت وآماج شدیدترین کین ونفرت.

خبرمرگ شاه را خبرگزاریها روز ۵ مرداد دیسرا سرجهان مخابره‌کردند. این مرگ خواه‌طبیعی باشدوخواه‌حاصل کار جاسوسان "سیا" جهت باصطلاح یافتن "راه‌حل" برای مسئلهٔ گروگانها، نتیجه فقط یکی است: نقطهٔ پایان، برعمریک تبهکار تاریخ، که‌سی وهفت سال، جوی سایه‌گرفته ازترورووحشت را برکشورما حاکم نمود، نقطهٔ پایان، بریک‌زندگی سراسرننگ وادبار، خیانت وجنایت، غارتگری وثروت اندوزی، نقطهٔ پایان، برزندگی آوارهٔ نگون بختی که‌جهانیان چون طاعون ازا ومی‌گریختندوا گردستی به سوی اودرازشد، ازسوی خاشانی چون خودا و: حسن وسادات وچندجیره‌خوار دیگر امریکا بود.

اکنون شاه‌نیست، اما مبارزه‌مردم علیه آن دستی که این جنایتکارقرن‌را برتخت قدرت نگاهداشت وحیات ۳۷ سالهٔ مردمی‌محروم را به‌تباهی کشید، ادامه خواهدیافت. این دست، دست امپریالیسم امریکاست که‌باید به‌برکت مبارزهٔ بی ـ امان مردم ازدامان کشورما قطع شود.

۲۶ دی سال ۱۳۵۷ شاه ازترس‌انتقام مردم ازکشورگریخت، ۲۲ بهمن انقلاب ایران پیروزشد. شاه‌مخلوع به‌مصر، مراکش، پاناما، مکزیک، پاناما رفت امپریالیسم امریکا به‌اوچراغ سبزنشان دادتاچندصباحی درسرزمین ارباب، جا خوش‌کند، اماخشم مردم این امکان را ازاوگرفت، لانه‌جاسوسی امریکا به‌اشغال دانشجویان مسلمان پیروخط امام درآمد که درصدرخواستهاشان استردادآن جلاد بود. جاسوسان امریکایی که‌درلباس دیپلمات، برای درهم‌شکستن انقلاب ایران نقشه می‌ریختند به‌اسارت‌دانشجو یان درآمدند. امام‌خمینی انقلاب بزرگتر ازانقلاب اول راا علام داشت ومبارزه علیه امپریالیسم امریکا، درابعادی گسترده‌اوج گرفت. مسئله‌بررسی‌جنایات امریکا درایران برای مردمی که‌سی و هفت سال بناحق سیلی خورده بودندو هست ونیست‌شان به‌غارت رفته‌بود، در دستورروزقرارگرفت، زیرا با زپس‌گرفتن شاه فقط جزئی ازادعانامهٔ خلق علیه امپریالیسم امریکا بودودستگیره‌ای برای افشاء همه‌جانبهٔ جنایات آن.

اکنون امپریالیسم امیدآن دارد که‌مرگ شاه زمینهٔ مساعدرا برای حل

بقیه در صفحهٔ ۴

پایان

یکعمر، درد، دردل هرداد خواه مرد،
جان‌ها به‌لب رسید ولی همچو آه مرد،
ازدرد و آه، آتش این کوره گُر گرفت
وزتاب تب گرفتهٔ آن شعله، شاه مرد

سیاوش کسرائی

۶ مردادماه ۱۳۵۹

سیاست خارجی ایران و آقای قطب‌زاده

به‌جرات می‌توان گفت که‌سیاست خارجی ایران دردوران پس‌از انقلاب ناموفق‌ترین قلمروفعالیت مسئولان امر بوده‌است. شاید واژه "مسئولان" را درست بکار نبرده‌ایم. زیرا تمام کسانی که درظرف یکسال ونیمی که‌از انقلاب می‌گذرد عهده‌دار اداره امور بوده‌اند تاکنون همه‌مقام "غیرمسئول" شده‌اند. اما شانه خالی کردن ازریربار مسئولیت رانه امام قبول کردونه مردم قبول می‌کنند. آقای قطب‌زاده مدعی است که‌تصمیمات را دیگران گرفته‌اند ولی بهنگام قبول مسئولیت همه "حکیم‌باشی" را درازمی‌کشد وقطب‌زاده بعیدمی‌داندکه‌سروکارش به دادگاه انقلاب بیفتد. وزیرامورخارجه ایران عالماً عامداً این حقیقت رامکتوم میداردکه تصمیمات درزمینه سیاست خارجی راورارتخانه تابع اواتخاذکرده واوبه‌شورای انقلاب برده وبه‌تصویب رسانده‌است نه‌اینکه شورای انقلاب تصمیم‌گرفته واجرای آن تصمیم‌را به وزارت امورخارجه محول کرده‌است. آقای قطب‌زاده خودرا مجری تصمیمات شورای انقلاب ویا به‌اصطلاح آلت فعل می‌داندو تبرئه‌می‌کند. اما عیب کارفقط این نیست که‌ایشان آلت فعل بوده‌اند، بلکه‌به ویژه اینست که‌مجری تصمیمات ارگانهای انقلابی نبوده‌وسیاستی خلاف منافع انقلاب ایران داشته‌اند.

گناه آقای قطب‌زاده آن است که نتوانسته ویابهتربگوییم نخواسته است سیاست خارجی ایران را پس ازانقلاب درجهت کمک به‌اهداف انقلاب طرح ریزی وتنظیم کند. دلیل این امر وانگیزه آقای قطب‌زاده چه‌بوده‌است؟ اگر پیش‌بینی ایشان به تحقق پیوست و دادگاهی صالح تشکیل شدبه‌این علل و انگیزه‌هایی خواهم برد. لیکن برای یک لحظه فرض‌کنیم چنین دادگاهی‌تشکیل شده‌است وازشما، آقای وزیرامورخارجه، می‌پرسنددردوران تصدی خودتان، آنچه بایدکرده‌با شیدونکرده‌ایدپیشکشتان، درآنچه کرده‌اید کدام یک ازاقدامات شما بعنوان وزیرانقلاب با اقدامات‌دولت شاهنشاهی فرق داشته‌است.

اصول سیاست خارجی ایران را در دوران شاه ملعون ازنظربگذرانیم. خط اصلی دراین سیاست نزدیکی به غرب مستقیماً وغیرمستقیم ازطریق سنتو ـ ترکیه وپاکستان ـ وخصومت با اتحاد شوروی پس‌ازانقلاب افغانستان وهمکاری باکشورهای مرتجع منطقه برضدافغانستان بود. واما شادرتمام طول وزارت‌خودتان کوشیدید علیرغم‌فریادهای مکرراً مامکه رابطه‌ما را با آمریکا رابطهٔ غارت‌زده و غارتگرتوصیف نمود، ایران انقلابی را به "شیطان بزرگ" نزدیک کنیدودراینراه ازهیچ جعل وتزویری نیزابانکردید. بخاطرتان بیاوریم که‌شما درجعل خبر توقیف محمدرضا دریانا ما، درجعل پیام کارتربه‌امام، درتوطئه تغییرسمت "بررسی جنایات امریکا درایران"، در هتک احترام واعمال فشاربرجوانان برومند، که لانه‌جاسوسی امریکارا اشغال کرده‌بودند، یکی ازمهره‌های اصلی بوده‌اید. سیاست نزدیکی به‌امریکا را شماگام‌به‌گام دنبال کرده‌اید. ازسیاست ضدشوروی شماکه‌کرده‌زشت‌ترسیاست محمد رضا شاهی است سخنی نمی‌گوییم زیرا خودتان هم‌منکرآن نیستید. اما سیاست شما درموردافغانستان که‌می‌خواهیدآنرا جزئی ازسیاست "نه‌غربی، نه‌شرقی" وانمود کنیدبی کم‌وکاست همان سیاستی‌است که محمدرضا پس‌ازانقلاب افغانستان با همکاری پاکستان وعربستان سعودی به دستوارباب امریکایی پشتکشان در پیش‌گرفت.

بقیه در صفحهٔ ۴

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

www.iran-archive.com

تاریخ تأیید میکند!

یکی از مدرسین حوزه علمیهٔ قم در ۳۴ سال پیش، وجود حزب تودهٔ ایران را ضامن آزادی و نگهداری مملکت از شر دسائس و حیل اجنبی‌ها و ضامن آزادی مذهب میداند

- **شهدالله تاکنون دیده نشده این حزب برخلاف آئین مقدس اسلام قدمی بردارد**
- **تضعیف حزب توده یعنی از بین بردن آزادی، یعنی ایجاد حکومت زور رضاخانی**
- **دلالان اجانب می‌خواهند بدست ما، جمله مخالفین خود را از میان بردارند**

آنچه در زیر می‌خوانید نامهٔ یکی ازمدرسین حوزهٔ علمیهٔ قم است که ۳۴ سال پیش برای یکی از روحانیون تهران نگاشته بود و در شمارهٔ ۸۶۳ "نامهٔ رهبر"، ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران نقل از روزنامه "مظفر" بچاپ رسید. ما این نامه را که به‌علت زنده بودن مطالب و اثبات حقایق تاریخی که ده‌ها سال توسط وابستگان امپریالیسم آمریکا و رژیم منفور پهلوی، تحریف می‌گردید و واژگونه جلوه داده می‌شد، اهمیت فوق‌العاده دارد، بار دیگر منتشر می‌کنیم و از همهٔ مبارزان صدیق ضد امپریالیست بویژه مبارزان مسلمان و روحانیون متعهد و انقلابی، می‌خواهیم که با دقت بر روی اظهارات صادقانه و دل‌سوزانهٔ نویسنده، که بعدها صحت آن‌ها در بوتهٔ یک تجربهٔ تلخ با وضوح تمام به‌اثبات رسید، تعمق کنند. بویژه روحانی مزبور این نکته را که بین آزادی و فعالیت حزب تودهٔ ایران و تامین آزادی مذهب پیوند درونی موجود است مورد توجه ویژه قرار داده است.

مضمون نامهٔ مزبور بسیار دقیق و گویا است. علت آن‌است که درست تمامی آن "حیل و دسائسی" که روحانی انقلابی مزبور، از آن‌ها می‌نالید و تلاش می‌شد بوسیلهٔ آن‌ها روحانیت را در مقابل حزب توده ایران قرار دهند و در پی تضعیف حزب تودهٔ ایران، روحانیت مبارز راسز درهم بکوبند و رژیمی "رضاخانی" را برقرارکنند، اکنون نیز با شدت و حدت تمام بکار می‌روند تا از اتحاد مسلمانان انقلابی و ضدامپریالیست و پیروان اصیل و راستین سوسیالیسم علمی یعنی حزب تودهٔ ایران، علیه امپریالیسم آمریکا و دسائس آن، جلوگیری کنند، جبهه انقلاب را تضعیف کنند و انقلاب ایران را چون جنبش ملی شدن نفت، به شکست بکشانند.

اکنون نیز تمامی سالوسان و جنایتکاران، که از اسلام و مسلمانان مترقی و انقلابی سنگرند، برای بازگرداندن دوران گذشته، می‌کوشند تا مسلمانان را بجای مبارزه با امپریالیسم علیه‌متحدین آنها، تحریک کنند و بابرچسب‌های مشابه آن‌زمان، چون "ملحد"، حزب تودهٔ ایران و دیگر نیروهای مترقی را زیر ضربه قرار دهند و همان‌گونه‌که‌روحانی خردمند مزبور گفته است: "بدست (روحانیت)، مخالفین خود (اجانب) را از میان بردارند لیکن مسلم است همین‌که بر مرکب آرزو و آمال خود سوار شدند، همان آش است و همان کاسه... هرصدایی بلند شد خفه می‌کنند چه صدای‌روحانیون و مردم متدین، چه صدای طالبین استقلال وآزادی این مملکت"

متاسفانه در آن‌زمان این روحیه حاکم نشد و متاسفانه در شرایط ما نیز بسیاری این سخن دردآلود و این تجربهٔ از آزمون گذشته‌را که توسط روحانی خردمند فوق صراحتا" بیان گردیده، نمی‌دانندوناخواسته‌دردام "حیل ودسائس اجانب" اسیر می‌شوند.

یکی از نکات بسیار مهمی که درنامهٔ مزبور منعکس است، بیان این واقعیت انکارناپذیر است که آزادی کامل مراسم دینی، "حفظ مقدسات‌وسعائر مذهبی"، با وجود و آزادی فعالیت حزب تودهٔ ایران، رابطهٔ مستقیم و ناگسستنی دارد.

"حزب توده *برای ایران ضرورت دارد و باید او را نگهداری کرد. سئوال می‌کنید بچه علت؟ عرض می‌کنم برای حفظ مقدسات و شعائر مذهبی، برای حفظ آزادی مردم، برای نگهداری مملکت از شر دسائس و حیل اجنبی‌ها*"

این امر نه فقط به این خاطر است که حزب تودهٔ ایران به شهادت تاریخ ۳۸ سالهٔ خود، به عقاید مذهبی تودههای مردم، احترام‌گذارده‌است، بلکه همچنین بهاین خاطر نیز هست که تضعیف و سرکوب حزب تودهٔ ایران همواره به گواهی‌تاریخ کشور ما، مقدمهٔ سرکوب هر نوع آزادی از جمله آزادی عقاید مذهبی و مراسم دینی، بوده‌است. روحانی متعهد مزبور می‌افزاید:

"*خواهید گفت مگر حزب توده بحفظ شعائر و مقدسات مذهبی علاقمند است که تو وجود او را برای حفظ آن‌ها ضروری می‌دانی؟ عرض می‌کنم عملا" تاکنون برای حفظ آزادی قیام و اقدام نموده و بعد از توجهات باریتعالی در نتیجهٔ مجاهدات حسنهٔ آن حزب بوده که امروز ملت ایران، می‌تواند آزادانه به انجام فرایض مذهبی و شعائر دینی خود اقدام نماید.*

شما بخاطر بیاورید دورهٔ ۲۰ سالهٔ منحوس رضا خان را، مگر رحلت‌مرحوم‌حاج‌شیخ‌عبدالکریم حائری مرجع بزرگ شیعیان و یافوت‌حضرت‌آیت‌الله نائینی رحمت‌الله‌علیه را فراموش کرده‌اید، آن‌روز که مصادف با اوج قدرت رضاخان مستبد بود، افراد این مملکت نتوانستند حتی به‌انعقاد مجلس ترحیم مبادرت نمایند، بازار تهران دو ساعت تعطیل گردید، مامورین کذایی نظمیه مختاری به‌زور آنان را مجبور به بازکردن نمودند. مگر ما به‌چشم ندیدیم که روز یازدهم محرم ۱۳۱۶ مردم را مجبور به چراغانی برای جشن تولد شاه وادار نمودند، ولی اگر کسی می‌خواست مجلس سوگواری برای امام علیه‌السلام منعقد نماید، او را در سیاه‌چال زندان می‌افکندند".

و ما می‌افزاییم که به‌یاد بیاورید که‌چگونه‌پس از غیرقانونی شدن حزب توده‌ایران در سال ۲۷، روحانیت مبارز وآیت‌الله‌کاشانی نیز مورد هجوم قرار گرفتند و در اثر کودتای ۲۸ مرداد وتیرباران توده‌ای‌ها، آزادی مراسم مذهبی فقط برای "اسلام آریامهری" و وعاظ السلاطین، وجود داشت ونه برای توده‌های مردم و روحانیت مبارز و انقلابی که در زندان‌ها جای می‌گرفتند.

آری روحانی‌خردمند فوق‌الذکر درست‌میگوید، وجود اسلام انقلابی، آزادی‌خواه و ضد ظلم، با وجود و فعالیت حزب توده‌ایران، رابطهٔ ناگسستنی دارد.

در سخنان روحانی‌مزبورهمچنین‌حقیقت‌بزرگی را که دشمنان استقلال و آزادی کشور ما، بسیار تلاش کرده‌اند تا آن‌را لوث کنند و با لجن آغشته سازند، چنین بیان شده است:

"*شهدالله تاکنون دیده نشده این حزب برخلاف آیین مقدس اسلام قدمی بردارد.*

... حزب توده برای ایران ضرورت دارد و باید او را نگهداری کرد... برای‌حفظ مقدسات و شعائر مذهبی،

نامهٔ رهبر
ارگان مرکزی حزب توده ایران
نقل از روزنامه مظفر
احساسات یکنفر عالم روحانی نسبت
بحزب «توده»
نطق آتشی سایان
در برابر رادیو تهران

برای حفظ آزادی مردم، برای‌نگهداری مملکت از شر دسائس وحیل‌اجنبی‌ها.

... (حزب توده) تاکنون برای حفظ آزادی قیام و اقدام نموده و بعد از توجهات باریتعالی در نتیجهٔ همین مجاهدات حسنه آن حزب بوده که امروز (سال ۱۳۲۵) ملت‌ایران‌می‌تواند آزادانه به انجام فرایض مذهبی‌وشعائر و مقدسات دینی خود اقدام‌نماید"

تاریخ ۳۸ سالهٔ حزب توده ایران‌صحت‌سخنان فوق را بهاثبات می‌رساند. حزب‌تودهٔ‌ایران‌بزرگترین‌دشمن امپریالیست‌ها و وابستگان داخلی آنها باقی مانده است. برای تامین آزادی و استقلال ایران بیش از هر سازمان سیاسی دیگر جانفشانی کرده، سهید داده و بیش‌از همه مورد خشم‌وغضب و کینه و نفرت امپریالیست‌ها، رژیم منفورسلطنتی و همه دشمنان استقلال ایران واقع شده است.

حزب تودهٔ ایران در تمامی ۳۸ سال تاریخ پر افتخار خود، به اعتقادات مذهبی تودههای‌مردم از هر دین ومذهبی عمیقا" احترام گذاشته است، از مسلمانان مترقی و انقلابی‌در راه مبارزه بارژیم منفور حاکم، با تمام قوا پشتیبانی کرده ودست اتحاد خود را همواره سوی آنان دراز کرده‌است.

حزب توده ایران صادقانه و صمیمانه، هم‌اکنون نیز خواستار اتحاد عمل با روحانیت مبارز و انقلابی، با همهٔ مسلمانان صدیق و متعهد وهمهٔ معتقدان بهادیان مختلف علیه "حیل و دسایس اجانب" بهسرکردگی امپریالیسم آمریکا است. ما برای شنیدن سخنان روحانیت مبارز و ضدامپریالیست همواره آمادهایم و از آن‌ها نیز می‌طلبیم که به سخن مسئولانه ما گوش فرا دهند.

متن نامه

بعدالعنوان... عزاداری و سوگواری عجیب‌و بی‌سابقه‌ای که این حیدروره اخیر بهواسطهٔ رحلت سیدالفقهاوالمجتهدین، مرحوم‌خلدمقام، آیت‌الله اصفهانی اعلی‌الله مقامه و نورالله مرقده در قم و بهطوری که اطلاع یافته‌ام در تمام ایران از ایالات و ولایات و قراء و قصبات اجراء گردیده و هنوز هم مداومت دارد رشته افکار و خیالات مرا بهجاهایی کشید که مطابق میل و ذوق من نبود.

شما مسبوق و مستحضرید که حقیر بهواسطهٔ تدریس در چند مدرسه قدیمه و لزوم مطالعهٔ دائم و استقصاء و تتبع در کتب‌تاریخی‌ودینی، هیچ‌وقت مجال خواندن جراید و مجلات سیاسی راندارم و بهعلاوه چون وظایف دیگری بهعهده دارم، اساسا" از بحث در مسائل سیاسی احتراز و اجتناب کامل می‌نمایم، زیرا عقیده دارم که یکی از علل انحطاط این‌قوم و ملت، این است که افراد آن غالبا" در امری که صلاحیت نظر نداراندووارد‌نیستند‌دخالت نموده و اظهار رای و عقیده می‌نمایند.

بهرحال همان‌طوری‌که فوقا" مذکور گردید، مشاهده سوگواری عجیب مردم درایام‌اخیر"تداعی معانی" و تسلسل خواطری برای من ایجاد و مرا به وادی مهمی کشید که نه" مطابق ذوق" این‌جانب است و نه حقا و انصافا" "صلاحیت" آن‌رادارم و آن وادی "سیاست" است که مردان خیلی توانا و اهل فن هم که بهر نقطهای از آن آشنایی دارند، معهذا غالب اوقات سرگردان وراههای‌پرپیچ و خم آن‌را از یکدیگر تمیز نمی‌دهند.

من مدتی فکر نمودهام و اینک آنچه بهنظرم رسیده برای آن دوست بزرگوارم تشریح می‌نمایم. متاسفانه افکار منجمد بعضی از دوستان اینجانب که با آن‌ها حشر و نشر دارم‌و خودت بهخوبی‌آنان را می‌شناسی، اجازه نمی‌دهد که حقایق را در محافل قم بیان کنم. فکر کردم اگر برای شما ننویسم، پس این‌را بهچه کسی گویم. اجتهاد شخصی و اعتقاد کامل مخلص این است که‌حزب توده برای ایران‌ضرورت دارد و باید او را نگهداری کرد.

سئوال کنید به چه علت؟

عرض می‌کنم‌برای‌حفظ مقدسات‌وشعائرمذهبی، برای حفظ آزادی مردم، برای نگهداری مملکت از شر دسائس و حیل اجنبی‌ها...

خواهید گفت مگر حزب توده بهحفظ شعائر و مقدسات مذهبی علاقمند است که تووجوداورابرای حفظ‌آن‌ها ضروری می‌دانی؟

عرض می‌کنم عملا" تاکنون برای حفظ آزادی قیام و اقدام نموده و بعد از توجهات باریتعالی در نتیجهٔ همین مجاهدات حسنهٔ آن حزب بوده که امروز ملت ایران می‌تواند آزادانه بهانجام فرایض مذهبی و شعائر و مقدسات دینی خود اقدام‌نماید.

شما بهخاطر بیاورید دورهٔ ۲۰ سالهٔ منحوس رضاخان را، مگر رحلت مرحوم‌حاج‌شیخ عبدالکریم حائری، مرجع بزرگ شیعیان و یا فوت حضرت آیت‌اللهنائینی رحمت‌الله رافراموش‌کرده‌اید، آن‌روز که مصادف با اوج قدرت رضا خان مستبد بود، افراد این مملکت نتوانستند حتی‌بهانعقاد مجلس ترحیم مبادرت نمایند. بازار تهران دو ساعت تعطیل گردید، مامورین‌کذائی نظمیه‌مختاری، بهزور آنان‌را مجبور به بازکردن نمودند.

مگر با چشم ندیدیم که روز یازدهم‌محرم ۱۳۱۶ مردم را مجبورا" بهچراغانی برای جشن تولد شاه وادار نمودند، ولی اگر کسی می‌خواست مجلس سوگواری برای امام علیه‌السلام منعقد نماید، اورا در سیاه‌چال زندان می‌افکندند.

امروز چه‌شده که‌معکوس آن‌جریانات وحشتناک دیده می‌شود؟ آیا اولیای امور بهحفظ شعائر دین و حفظ‌عقاید حقه مردم علاقمند شده‌اند؟

مسلما" نه... زیرا متاسفانه همان‌هایی که ابزار حکومت منحوس رضاخان بودند و حالا هم غالبا" بر سرکار و فاعل مایشاء می‌باشند.

پس چه شده؟

همین مجاهدت حزب توده که می‌خواهند به دست ما آن‌ها را از میان بردارند موجب‌گردیده همان‌هایی که دیروز تحت امر پهلوی، با دیانت مردم و مقدسات مذهبی ضدیت می‌کردند، همان‌هایی که روسری زن‌های مسلمان را در وسط خیابان از سرشان پایین می‌آوردند و روحانیون متقی را در انظار خفیف و به سیاه‌چال‌های زندان قصر و یا مانند مدرس شهید علیه‌الرحمه به تبعیدگاه‌های مخوف می‌افکندند، امروز واشریعتا نموده و برای غربت اسلام و حفظ شعائر دین ندبه‌می‌خوانند؟

آیا اگر حزب توده نبود، این‌ها می‌گذاشتند مردم نفس بکشند. چه برسد در رحلت یک مجتهد بزرگ ابراز احساسات نمایند؟

من نمی‌خواهم بگویم که حزب توده به تمام مقدسات مذهبی احترام‌می‌گذارد (اگرچه‌شهدالله تا کنون دیده نشده این حزب برخلاف آئین‌مقدس اسلام قدمی بردارد)، ولی بهرحال از وجود او است که امروز حتی مدیر تاتر تهران که برای خنده مردم خود رابهزار رنگ درمی‌آورد، درروزنامهاش هزار فحش و ناسزا بهروحانیون داده از منافع سرشار چند شب تاتر خانهٔ خود می‌گذرد بهعتبات عالیات مشرف می‌شود تا بهقول خودش در مراسم شب سه آیت‌الله اصفهانی شرکت و بهدست‌بوس حضرت آیت‌الله قمی نائل گردد.

بهراستی توهین‌هایی که به سیدعلی آقای‌یزدی و امام جمعه خوئی به اسلام ومسلمین نموده‌اند و خواهند نمود، هیچ‌گاه همان‌هایی‌که‌بهما "قفقازی" و "ملحد" معرفی می‌کنند، تاکنون ننموده‌اند.

صادق سرمد، شاعر مداح سیدضیاء در سه سال قبل به ساحت قدس علوی ائمه و اهل بیت، دریک قصیده مفصل که در چندین روزنامه نیز طبع‌نمود، توهین کرد، حالا همین شخص صدای واشریعتا بلند کرد و حامی و متکای او... و پسر سیدعلی‌آقا می‌باشد. همین‌طور فعلل و تفعلل ما اگر واقعا بهحفظ دیانت وعقاید حقه خود معتقدیم، اگر بقای ایران واستقلال، وبالاترازهمه آزادی مردم را بخواهیم، نباید فریب خورده، حزب توده را تضعیف نمائیم. اعتقاد من این است. تضعیف حزب توده، یعنی ازبین بردن آزادی، یعنی‌ایجاد حکومت زور رضاخانی.

دراین نوع حکومت، بازهمان تضییقات و تهدیدات دورهٔ‌منحوس ۲۰ ساله خواهد بود وما اگرواقعا دلمان بحال اسلام سوخته، نباید با ایجاد حکومت ترور ووحشت موافقت نمائیم.

مایک بارگول خوردیم، به دست ما (البته بعضی نهمه) رضاخان قوت گرفت وسلطنت‌اومستقر شد. همینکه براورنگ قدرت تکیه‌زد، مخالفت با مردم راشعارخود ساخت. حالاهم دلالان اجانب می خواهند بدست ماجعله مخالفین خودراازمیان بردارند لیکن مسلم است، همینکه برمرکب آرزو و آمال خود سوارشدند، همان آش است وهمان کاسه ... هرصدائی بلندشد خفه می‌کنند، چه صدای روحانیون ومردم متدین ...

چه صدای طالبین استقلال وآزادی این مملکت ...

خواهش دارم درهرمحفلی که مقتضی بود درباره این عرایض بندهکه البتهقبول‌خواهیدداشت، تبلیغ فرمائید. من گوهراین فکر عالی را امروز تقدیم کردم. شماهم درحفظ وتعمیم این فکر کوشش کنید.

این راهم بگویم:

تصورنفرمائیدکه من عقیده دارم تمام قدرت باید دردست حزب توده باشد وبنابراین باید به تقویت دائمی آن قدرت سیاسی، اقدام‌نمود... نه من که ازلحاظ نوع تحصیل به تجزیه و تحلیل منطقی قضایاعادت دارم، بااین عمل هم مخالفم وقدرت بیش از اندازه آنهاراهم برای مملکت مضر می‌دانم، همانطورکه تضعیف آنهاراهم به دلایلی که عرض کردم خیانت می‌دانم. بازهم دراین موضوع عرایضم را حضورتان خواهم نمود.

والسلام علی من اتبع الهدا

■

"نامهٔ رهبر"، در آن زمان ۳۴ سال پیش، درپایان نامه، توضیحی به شرح زیرافزوده است:

" بااینکه عالم روحانی... درآخرنامه نظری ابراز فرمودند که عدم هم‌آهنگی کامل ایشان رابا پیروان حزب ماآشکار می‌سازد، بااین وجود، نامهٔ ایشان حاکی ازیک قضاوت ... وبی غرضانه ودر عین حال ازروی خردمندی‌وتعمق است درج‌کردیم، ای کاش سایرروحانیون محترم کشورما مانند... روحانی نویسندهٔ نامهٔ فوق به حقایق توجه می‌فرمودند".

شمه‌ای دربارهٔ

مرکزیت و دمکراسی

صداقت و علمیت رهبری حزبی شرط ضرور اجراء صحیح موازین تشکیلاتی در شرایط بغرنج مبارزه است.

در تشکیلات حزبی مرکزیت یعنی‌تبعیت‌ارگان‌ها و مقامات مادون از رهنمودهای ارگان‌هاومقامات مافوق و دمکراسی یعنی انتخابی بودن ارگان‌ها و مراعات شور جمعی در عین حفظ مسئولیت فردی (بر اساس تقسیم کار).

این دو جنبهٔ فن رهبری یا اداره است که هر یک، بهعللی که روشن است، ضرورت‌وقیمت‌دارد.

بدون مراعات مرکزیت درحزب طبقه کارگر، این حزب خاصیت پیکارجویی خود را از دست می‌دهد، انضباط در آن به سستی می‌گراید، هرج و مرج جای نظم رامی‌گیرد. وبدون مراعات‌دموکراسی در این حزب، این حزب به یک دستگاه اداری یا نظامی بدل می‌شود، ابتکار خلاقهٔ رزمندگان میدان بروز نمی‌یابد، ارگان‌ها به انتقاد و انتقاد از خود دست نمی‌زنند، لذا از تصحیح بهموقع اشتباهات خود محروم می‌گردند و گندیدگی از درون در جهاز حزب رخنه می‌کند و کار را بهعواقب شوم می‌کشاند.

لذا لنین گفت که *اصل راهنمای سازمانی حزب طبقه کارگرمرکزیت دموکراتیک است*، یعنی قبول هردو اصل که تاریخ طولانی بشر آن‌ها را برجسته ساخته است و یافتن بهترین تناسب ممکن در هر دوران و در هر مکان، برحسب ضرورت‌های عمل مبارزه، بین این دو قطب متضاد.

روشن است که تا نبرد طبقاتی در مقیاس داخل کشور و جهان علیه سرمایه‌داری حاد است، حزب‌طبقه کارگر به انضباط‌آهنین نیازمند است‌تا یک گردان رزمنده و پویا باشد، بهمین جهت برای یک دوران طولانی تاریخی، بین‌دو قطب مرکزیت و دموکراسی، مرکزیت قطب عمده است. این مطلبی است بی بروبرگرد. هرگونه بسط زائد دموکراسی‌و "دموکراسی بازی" در این دوران، حزب را از گردان پیکارجو به یک باشگاه بحث و یک دستگاه آماتوری سیاست مبدل می‌سازد و بهحد مهلکی زیان‌بخش است.

ولی عمده بودن مرکزیت، بهمعنای تعطیل دموکراسی حزبی نیست و نباید باشد. اگر اصل انتخابی بودن ارگان‌ها، اصل رهبری جمعی، اصل انتقاد و انتقاد از خود بالمره فراموش شود، عیب بزرگ دیگری در حزب پدید می‌شود: عیب تصلب بوروکراتیک، عیب مبدل شدن مرکزیت دمکراتیک لنینی به مرکزیت بوروکراتیک، عیبی که لنین ما را از آن بهکرات برحذر داشته است.

اگر حزب از یک دستگاه خلقی، جمعی ودموکراتیک به یک دستگاه اداری ـ نظامی بدل شود، به سرعت روبه انحطاط خواهد رفت و دهها‌عیب‌بزرگ در آن پدید خواهد شد و روح و صمیمیت و هیجان درونی و صداقت و صفای خود را که موجب جاذبهٔ خلقی و ابتکار خلاق و دلاوری‌ها و قهرمانی‌های افسانه‌آمیز افراد آن است، با سرعت از دست خواهد داد.

حزب تودهٔ ایران در تاریخ طولانی خود با بروز هر دو عیب،یعنی بسط زائد مرکزیت و بسط زائد دموکراسی در ادواری روبرو بوده و عواقب‌شوم آن‌را به رای‌العین دیده است و لذا عزم آن داردکه با مراعات عمده‌بودن قطب مرکزیت نسبت‌به‌جهات دموکراتیک حیات حزبی (انتخاب، جمعی بودن شور، انتقاد و انتقاد از خود) حداکثر توجه لازم را معطوف سازد.

در عین حال این نکته‌را باید دانست که‌مابین ضرورت‌های عملی مبارزهٔ حزبی و موازین سازمانی تناسبی است. موازین سازمانی یک سلسله حقایق مجرد برون از زمان و مکان نیست. اصل عبارت است از داشتن صداقت انقلابی برای مراعات حداکثر ممکن این موازین،والا بین این موازین و ضرورت‌های مبارزه عملی، تقدم با ضرورت‌های مبارزهٔ عملی است.

این نکته‌می‌تواند به افراد بدون صداقت یابه افرادی که درک درستی از اصول لنینی اداره مبارزهٔ حزبی ندارند گاه بهانه یا زمینه بدهد که بهسوی بی‌اعتنایی نسبت به موازین و آن‌چه که‌در اصطلاح علمی "ستیزه با موازین" نام دارد، گام بردارند. در عین تایید تقدم ضرورت‌های عمل، باید کوشید که کار، بهاصطلاح لنین، به" براتی سیزم" یا عمل‌گرایی بدون دورنما نکشد و عمل مبارزه در بستر یک حرکت موزون سازمانی سیرکند. باید کوشید تا خودبه‌خودی و سیر دیمی و خودانگیخته بر ما مسلط نشود، زیرا در آن‌صورت رشتهٔ کار از دست رهبری حزب خارج می‌شود و سیر خودبه‌خودی بر ما مسلط می‌گردد. اگر سیر خودبه‌خودی را به امواج دریا تشبیه کنیم ورهبری حزب را بهناخدا، در آن‌صورت ناخدا حق ندارد کشتی را به امواج رها کند، بلکه باید از مختصات حرکت امواج برای سیر کشتی در مسیر مطلوب استفاده نماید.

ترکیب این مختصات یعنی تقدم ضرورت‌های عملی بر چهارچوب‌های مجرد موازین سازمانی از سویی و ضرورت حفظ تقدم مرکزیت بر دموکراسی از سوی دیگر، وضع بغرنجی بوجود می‌آورد که در درون آن باید مشی سازمانی حزب ترسیم شود.

توضیح آن‌که حزب‌دارای دو مشی است: مشی سازمانی و مشی سیاسی. مشی سیاسی حزب را تاکتیک و استراتژی حزب منعکس می‌کند و دربرنامهٔ حزب بیان‌می‌شود. مشی سازمانی حزب که‌اصول‌آن درآیین‌نامه (اساسنامه) حزب ذکر می‌گردد، باید در شرایط مشخص بوسیله رهبری پیاده شود. آیین‌نامه تنها استخوان‌بندی کلی را بیان می‌کند و اجراء آن در هر کشور و در هربخش کشور و در هر دوران معین مبارزه می‌تواند ویژگی‌های معینی کسب کند.

چنانچه گفتیم تمام مطلب برسر صداقت و علمیت رهبری است. اگر صداقت و علمیت باشد، اجراء امر دشوار مشی سازمانی، بهدرستی انجام می‌شود والادردست‌انداز روشهای‌نظامی، اداری، پیشوایی یا شیوه‌های دموکراسی بازی روشنفکری می‌افتد و کار به فاجعه می‌انجامد. الحذر!

درجهان سوسیالیسم

همکاری کشورهای سوسیالیستی درفضا، صمیمانه است

واژه «انترکاسموس» ازیکسو به گروهی از کشورهای سوسیالیستی (بلغارستان، جمهوری سوسیالیستی چکسلواکی، جمهوری دمکراتیک آلمان، کوبا، لهستان، جمهوری توده‌ای مغولستان، رومانی، ویتنام، اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی ومجارستان) اطلاق می‌شود، که در زمینه پژوهش‌وکاربست صلح‌جویانه کیهان با یکدیگرهمکاری می‌کنند.

دولت شوروی درسال ۱۹۶۵ به کشورهای برادر پیشنهادکرد تا به همکاری در زمینه کیهان پژوهشی و استفاده مشترک از دستاوردهای آن بپردازند. درهمان‌سال‌نخستین‌جلسه مشورتی پیرامون این‌مسئله‌برگزار شد. درسال ۱۹۶۶ توصیه‌هایی در این‌زمینه‌آماده گشت‌ودرسال ۱۹۶۷ برنامه‌ای بنام «همکاری» تدوین یافت.

در سالهای بعد، هر یک از کشورهای عضو، به کمیسیونهای دائمی چهارگانه، یعنی «نیزبک کیهانی»، «هواشناسی کیهانی»، «مخابرات کیهانی» و«زیست‌شناسی و پزشکی کیهانی»، تاپنج‌نماینده گسیل میداشت. درسال ۱۹۷۵، کمیسیون دیگری، بنام «کمیسیون‌دور بررسی زمین از طرق کیهانی»، به کمیسیون‌های نامبرده افزوده شد. در جلسه‌ای که در سال ۱۹۷۰، مرکب‌ازرؤسای کمیته‌های‌هماهنگی ملی‌در ورونتسلاو(لهستان) برگزار گشت، گروه پژوهش‌های مشترک کشورهای سوسیالیستی در گستره کیهان‌شناسی، به «انترکاسموس» موسوم شد.

تاکنون فضانوردان کشورهای مختلف سوسیالیستی همراه فضانوردان‌شوروی به‌پروازمشترک دست زده‌اند و هم‌اکنون یک فضانورد ویتنامی‌با دوستان‌شوروی خود مشغول انجام برنامه‌های «انترکاسموسی» است.

درجهان سرمایه‌داری

بودجه سمپاشی «سیا»

جدول‌زیر بودجه «سیا» رابرای سال ۱۹۷۸ بر پایه برآوردهای نشریه «کاورت اکشن» (شماره ۷، ۱۹۸۰) به میلیون دلار نشان می‌دهد:

دفترمدیر	۲۰
بخش عملیات	۸۸۰
ـ جاسوسی/ ضدجاسوسی	(۳۶۰)
ـ عملیات پنهانی	(۵۲۰)
بخش اداری	۲۲۰
ـ ارتباطات	(۸۰)
ـ کمک‌های دیگر	(۱۴۰)
بخش اطلاعات ملی	۱۴۰
ـ تحلیل	(۱۰۰)
ـ داده‌پروری	(۴۰)
بخش علم وتکنولوژی	۲۴۰
ـ گردآوری‌اطلاعات‌فنی	(۱۰۰)
ـ پژوهش وتوسعه	(۱۴۰)
جمع کل	۱۵۰۰ میلیون‌دلار

باحتمال‌قوی ۱۷۵-۱۷۰ میلیون دلار از بودجه ۵۲۰ میلیون دلاری «عملیات پنهانی»، صرف تبلیغات امپریالیستی میگردد. همچنین ۹۰ میلیون دلار از بودجه‌های بخش اداری و علم و تکنولوژی بطور غیرمستقیم به تبلیغات اختصاص داده می‌شود.

«سیا»، ازجمله، با این بودجه ۲۶۵ ـ ۲۶۰ میلیون دلاری به خبرگزاریهای‌امپریالیستی، رادیوهای ضدانقلاب، رسانه‌های گروهی اجیر، تبلیغات انتخاباتی بسود شخصیت‌های وابسته و غیره کمک می‌رساند.

www.iran-archive.com

بررسی وضع مسکن در تهران (۲)

صدها آپارتمان کنار زاغه‌های بزرگراه بعثت خالی است...

■ رئیس کارگاه شهرک نجف: اگر بودجه باشد ۶ماه دیگر آپارتمانها تمام میشود و بعد وزارت مسکن باید محوطه‌سازی، آب وبرق و... را تمام کند.

■ زاغه‌نشین‌های کنار آپارتمان: ما حرفی‌نداریم. به زاغه‌های ما و آپارتمانهای خالی نگاه کنید. همین بس است.

خانه‌های نیمه‌تمام و خالی تنها در شمال تهران نیست. هزاران دستگاه آپارتمان در جنوب تهران هم خالی‌ونیمه‌تمام مانده‌است. درجوارهمین آپارتمان‌های۴ تا ۵ طبقه‌که قسمت وسیعی‌از اراضی جنوب را دربرگرفته است زاغه‌های فراوانی بچشم میخورد که ساکنان آنها در وضع فلاکت‌باری بدون داشتن اولین وسائل رفاهی زندگی‌می‌کنند.

در انتهای بزرگراه بعثت تابلویی تحت عنوان «سازمان بهسازی و عمران جنوب تهران» بچشم میخورد که اطراف تابلو، گورستان لاشه اتومبیل است و ۱۰۰۰ متر بطرف جنوب این تابلو (منطقه هاشم‌آباد) در حدود ۲۵۰ دستگاه آپارتمان نیمه‌تمام قرار دارد.

بیشتر آپارتمانها ۴ طبقه است ودارای ۸ تا ۲۲ واحد مسکونی ۳ اتاقه است که تاسیسات داخلی ندارد. این آپارتمانهای نیمه تمام که در صورت اتمام میتواند حداقل ۲۰۰۰ خانوار را در خود جای‌دهد، کلاً متعلق به وزارت مسکن است و شرکت «ماپاد» پیمانکار آن است. مهندس درویش رئیس کارگاه این شهرک که شهرک نجف یاشهرک‌شرق شوش نام دارد به خبرنگار نامه «مردم» گفت: «این آپارتمانها طی قراردادی‌بالغ بر ۱،۵۰۰،۰۰۰،۰۰۰ (یک تیلیارد و پانصدمیلیون) ریال با وزارت مسکن از اوایل‌سال ۱۳۵۶ شروع‌شده ومشتمل بر ۲۰۰۰ واحد مسکونی است. کار تکمیل ساختمانها در ماه بهمن واسفند سال ۵۷ بعلت نبودن گازوئیل راکد مانده واز آن پس‌تاکنون‌مدام درحال تکمیل است. این شهرک‌تا۶ماه دیگربا بودجه‌ای‌معادل ۴۰۰،۰۰۰،۰۰۰ (چهارصدمیلیون) ریال آماده خواهد شد.البته فقط آپارتمانها حاضرخواهندشد. اما فاضلاب، محوطه‌سازی، آب‌وبرق آن‌که بعهده وزارت مسکن است باقی می‌ماند.»

آیا نباید ساختمان‌این‌آپارتمانها را بسرعت بپایان برد؟ جواب این سئوال را از زبان بیات شیرزاد یکی از زاغه‌نشینانی که درصدمتری این آپارتمانها باچند گاوزندگی میکند بشنوید: «آقا یا زندگی مرا ببین. من و حیوانها با هم زندگی می‌کنیم. هفده سال است دراین محل ساکن‌هستم، یک چاه‌آب داشتم آنهم‌خراب شده واین حیوانها باید از آب فاضلاب استفاده کنند. به‌این آپارتمانها نگاه کنید. آیا نباید من‌وامثال من از آنها استفاده کنیم؟»

حرفهای او را زاغه‌نشینان اطراف آپارتمانهای شهرک شرق شوش که تعداد آنها زیاد است تکمیل می‌کنند. «درزمان طاغوت زاغه‌نشین بودیم ولی بعداز انقلاب دیگرنباید زاغه‌نشین‌باقی بمانیم. دیگرنمیدانیم چه بگوئیم، انقلاب مال مستضعفین است‌آیامعنی این را مسئولان امور فهمیده‌اند؟

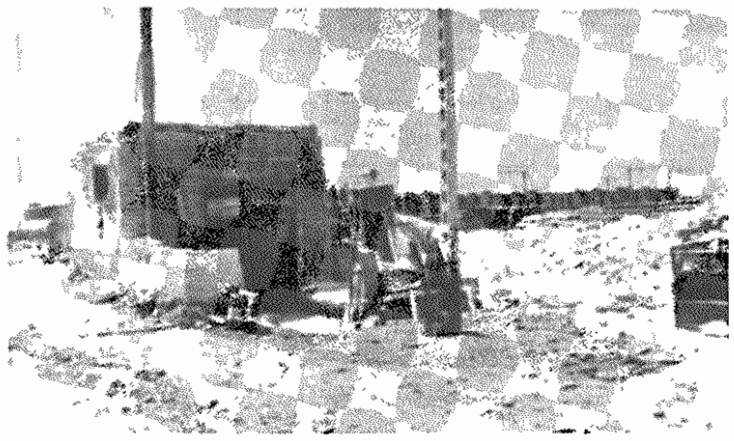

به این زاغه‌های شکسته وبسته نگاه‌کنید. درصدمتری آپارتمانهای خالی‌که درزمینه عکس دیده میشود زحمتکشان درشرایط غیرانسانی زندگی‌میکنند.

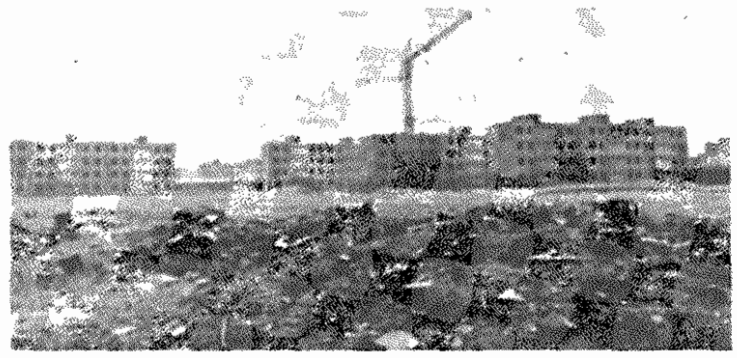

این آپارتمانها در جنوب تهران هنوز نیمه‌تمام است، درحالیکه درابتدا سازنده آن دولت بوده است.

«روزنامه‌نگار آزاد»

پاسداران کمیته مرکزی ازچهرهٔ کریه یک جاسوسه امریکایی حجاب برگرفتند. "خانمی" بنام "دوایر" از فروردین تا چندروزپیش بظاهر با حرفه آبرومندروزنامه‌نگار آزاد ودرباطن با شغل بی‌آبروی جاسوسی درپایتخت کشورما مشغول فعالیت بوده است. جوانان برومندپاسدار اورا به‌تله انداخته و گرفته‌اند. دستگیری یک جاسوس حرفه‌ای کارآسانی‌نیست. ما این پیروزی را به پاسداران انقلاب تبریک می‌گوییم و برایشان درادامه خدمت وپاسداری از خون شهیدان موفقیتهای روزافزون آرزو می‌کنیم. این سربازان جان برکف‌انقلاب بهای غفلت ها، سستی ها واحیانا خیانت‌های دیگران را می‌پردازند. خنثی‌کردن یک جاسوس حرفه‌ای ازخنثی کردن یک مین خطرناک تراست. کوچکترین بی‌دقتی می‌تواند اثرات مرگبار روجبران ناپذیری بجای بگذارد.

چه کسانی آگاهانه ویا ناآگاهانه این مین‌های خطرناک تررا درقلب ایران جای می‌دهند؟ به عملکرداین "خانم"طی مدت چندماهی که درکشورما بسرمی برده است توجه کنیدوببینیدکه این مارزهر آلودکه‌گاه درنزدفلان عضووزارت امور خارجه وگاه درکنارفلان کارمندوزارت نفت‌جای می‌گرفته و"با مقامات ومسئولین وزارتخانه‌های مهم" رابطه‌برقرارمی‌کرده چگونه می‌خواسته‌است نیش خودرا به‌قلب انقلاب ایران فروکند. چندماده‌ازموارد اتهام او: فراهم نمودن زمینه حملهٔ مجدد نظامی امریکا به ایران،برقراری ارتباط بین گروههای ضدانقلاب بادولت امریکا وسازمان سیا، همکاری با یک گروه مسلح ضدانقلاب برای ربودن جاسوس‌های گروگان امریکایی، برقراری ارتباط رادیویی بین ارتش امریکا و گروههای ضدانقلاب، رساندن سلاح ومهمات به‌گروههای ضدانقلاب...

آنچه ازموارداتهام این جاسوسه برشمردیم (شیوهٔ عمل رذیلانه اوبماند) بیش ازآنچه درارتباط باگروگانها حائز اهمیت باشدبه‌لحاظ سیاسی مهم وآموزنده است ونشان می‌دهد که‌ضدانقلاب درداخل وخارج ازکشوردست اندردست ماموران دولتی امریکا وسازمان "سیا "فعالیت می‌کند. ماموریتهایی که‌به‌خانم دوایر واگذارشده همه وهمه دوطرف دارندکه یکی سازمانهای دولتی امریکا (ارتش، سیا) هستندوطرف دیگرگروههای ضدانقلابی ایرانی وهمچنین کارمندان سابق‌جاسوس‌خانه‌که‌باردیگرثابت می‌شودجاسوسان حرفه‌ای بوده‌اند. کارنامهٔ خانم‌دوایر نشان می‌دهدکه اووشاپوربختیارروزنالهای کتک‌خورده شاهنشاهی که‌برای سرنگونی نظام جمهوری اسلامی فعالیت می‌کنندهمه به‌یک اندازه "ملی" و"ایرانی" هستند. شیوه‌عملشان نیزچندان باهم فرق ندارد. این دراینجا روسپیگری می‌کندوآنان در آنجا. این یک بعنوان جاسوس کشور خویش وآنان بمثابه چاکروعبد عبید دیگران به‌شیطان بزرگ خدمت می‌کنند.

جریان عمل وفعالیت جاسوسه ثابت کرد که دانشجویان مسلمان پیروخط‌امام در"گروگان" خودنه دیپلمات های‌معمولی امریکایی بلکه جاسوسان هزاررنگ وصد چهره‌امریکایی رادارند. اگرلازم‌باثبات بودبا ردیگردیده‌شدکه دراین گروه اغلب "گروگانها" به‌روزجاسوسی ورساندن‌خبر واطلاعات به‌مرکزوارد بودندوحتی با طرز نشستن وعکس گرفتن ازطریق "رابط" اطلاعات رابه "سیا" می‌رساندند.

امپریالیستهای امریکایی مین‌های بیشماری نظیرخانم دوایردراختیاردارند ودرچارگوشهٔ جهان بکارمی‌برند. شکل ظاهری آنان بایکدیگرفرق دارد، گاه‌به صورت کشیش درمی‌آیند، گاه بازرگان می‌شوند، گاه سربازسپاه‌صلح وغیره. اما جاسوسان امریکایی بیش ازهمه‌درلباس دیپلومات وروزنامه‌نگارظاهرمی‌شوند. دراسناد"سیا "که‌مدتی قبل فاش گشت گفته می‌شدکه یک سوم خبرنگاران امریکایی که‌به‌خارج اعزام‌میشوندهمکاران "سیا" بوده‌اند. گمان می‌کنیم دروزارت ارشاد ملی ووزارت امورخارجه ایران کمترکسی رامی‌توان یافت که ازاین موضوع‌بی‌اطلاع باشد. پس‌چگونه میتوان باورکردکه جاسوسی بتواندبه‌نام روزنامه‌نگارچند ماه درایران فعالیت کند، اطلاعات گرانبهایی بمرکز"سیا "بدهد، بین ضدانقلابیون با ارتش امریکا و"سیا "رابطه برقرارکندوکسانی درآن وزارتخانه‌ها "تسهیلات" لازم رابرای انجام وظیفهٔ "مقدس" روزنامه‌نگاری اوفراهم نکرده باشند. تنهاکافی است توجه کنیم که‌او را بعنوان روزنامه‌نگارآزادیعنی کسی‌که به‌هیچ یک ازارسانه‌های گروهی منتسب نیست بذیرفته‌اندتا بتواندبرای اوآزادی عمل فراهم کنند.

شیرجگرسوزامریکایی بدون پرایرانی نمی‌تواندبربال انقلاب ایران فرودآید. کشف این جاسوسه امریکایی وکشف نشدن دهها جاسوس وجاسوسه دیگرکه درزیرانقلاب ایران مین می‌گذارندبارد‌یگراین ضرورت راتاکیدمی‌کندکه‌بدون پاکسازی انقلابی دراداراتدولتی وبخصوص دروزارت‌امور خارجه نمی‌توان باضدانقلاب داخلی و خارجی که بایکدیگرپیوندناگسستنی‌دارند بصورت موثرمبارزه‌نمود.

این مین خطرناک رادلیران پاسدار انقلاب خنثی کردند، صدها مین دیگرهنوز دست نخورده‌باقی مانده‌است، "ملیت" مین‌ها نیزدرقدرت تخریبی آنان تاثیر چندانی ندارد، آنچه یک جاسوس یا جاسوسه امریکایی ویا میهن فروش ایرانی می‌تواننددرموارداتهامی که‌ذکرشده‌است انجام دهد ازصدها مینی که نظایرآنها رادرپاسازکمپانی کارگذارده‌بودند خطرناکتراست. کسانی که‌برای گذاردن این گونه مین‌ها شرایط فراهم‌می‌کنند هزاربارازمین‌گذاران پاسازکمپانی خطرناکترند.

همهٔ مین‌ها ومین‌گذاران رابکمک یکدیگروباهوشیاری خنثی کنیم.

انقلاب نکوهمندمان راچون مردمک چشم ازهرگزندی حفظ کنیم.

باپاسداران انقلاب درانجام این وظیفه‌خطیروخطرناک ازجان ودل همکاری کنیم.

همهٔ امکانات خودرا برای دفاع از جمهوری اسلامی ایران دراختیاررهبری انقلاب بگذاریم.

«ولاشون» صحنهٔ توطئه‌های ضددهقانی است

مسائل دهقانی

■ مالک غاصب ولاشون کماکان‌مانند رژیم سابق به آزاردهقانان می‌پردازد.

■ متاسفانه عملکردمسئول سپاه پاسداران درارابطه بااحقاق‌حقوق دهقانان درراستای‌انقلاب نیست.

روستای ولاشون ازتوابع درجه نجف‌آباد (در ۱۱کیلومتری اصفهان)شاهد صحنه‌هایی ازتجاوزواعمال زوروضرب و جرح دهقانان زحمتکش توسط‌ایادی مالک زورگودرتاریخ ۵۱/۴/۱۸ بود.

درتاریخ ۵۱/۴/۱۸ درروستای ولاشون (باجمعیت ۵ تا ۶ هزارنفر) گروهی از چماقداران مالک غاصب وزورگوی این روستا،حاج اکبرامینی، بدروستائیان حمله‌ورشدند ودرگیری شدیدی بوجود آوردند.

خبرنگارنامهٔ "مردم" درتماس‌خود با نمایندهٔ دهقانان درشورای دهٔ آقای بهرام امینی سئوالاتی درباره‌چگونگی درگیری مطرح کردوشماینده‌دهقانان‌در پاسخ گفت: آقای حاج اکبرامینی (مالک ده)درزمان اصلاحات ارضی با نفوذی که دردستگاههای طاغوتی داشته بازدوبند، توطئه وکلاه‌برداری وسند سازی زمینهای زیادی راتصاحب‌کرد.

شکایاتی که‌اهالی درزمان طاغوت علیه‌این فردبه‌ادارات ذیربط ارائه داده‌اند، با ۴۸ شماره پرونده‌دردادگاه انقلاب شعبهٔ دوم اصفهان هم‌اکنون نگاهداری می‌شود. این شخص دراین مدت جنایات بیشماری را مرتکب شد، ازجمله طی دوسالی که‌ایشان مسئول شرکت تعاونی وانبارتریاک بود، حدود ۹۰ کیلوتریاک "کسری"می‌آورد. وی با حیله ویک نقشه حساب شده‌گناه کمبود تریاک را به‌گردن کس دیگری میاندازد.

خبرنگارما طی تماس خودبا اهالی باچندین نفرازآنها به گفتگونشست. یکی ازاهالی بنام یوسفعلی امینی به خبرنگارما گفت: "من ۶۰ ساله هستم و شغلم‌دامدار، صاحب ۱۰ پسروغ دختر هستم. ۸۰۰ مترزمین بیشترندارم. چند شب قبل بچه‌ای راکه‌باخون دل بزرگ کردم وبعدازه۲۰ سال عروسیش راگرفته بودم، هنگامی‌که عروس را به‌خانهٔ داماد می‌بردیم، وسط کوچه "کربا سیها "چماق داران وداروودسته خان حلوی ما را گرفتند، کتکمان زدندوچند زن بی‌پناه رابه‌جوی آب انداختند. مالک می‌خواهد جو ده را متشنج کند، زیرا قرار است هیئت هفت نفره به ده‌بیاید. درهمین رابطه به‌کتابخانه‌ده حمله‌کردند و مسئول کتابخانه راکتک زدند".

حیدرعلی ترکیان دهقان دیگری می‌گوید: "این آقای علی امینی در اصلاحات ارضی طاغوتی نمایندهٔ ارباب ودولت بود. درزدوبند باادارهٔ‌کشاورزی وثبت‌املاک زیادی بدست آورد. درزمان حکومت نظامی اصفهان با ارتشیان همکاری می‌کردومردم رامورد‌ضرب وشتم قرارمی‌داد. ازجمله‌مرا، ساعت ۹ شب‌که برای آبیاری زمینهایم ازخانه خارج شدم، همین شخص به‌همراه چماقنفرسربازمرا موردحمله قراردادوباقنداق تفنگ مرا مضروب کرد".

روح الله ترکیان درمصاحبت هایش باخبرنگارما می‌گوید: "حاج اکبرامینی ازسران چماق بدستان وهمکارحکومت نظامی‌قبل ازانقلاب بود. اکنون خودش رابنام "انقلابی" جازده ومردم راآزار می‌دهد وهرجوانی که‌بخواهدحرف بزند، اورا ضدانقلاب وکمونیست معرفی می‌کند، اوباکمک چماق بدستان کسانی راکه از طرف شورای ده روی زمینهای سرمایه‌دار فراری(سلامیان)کار می‌کنند، درکوچه و بیابان به باد کتک می‌گیردوهرچه‌شکایت می‌کنیم ،کسی بدادما نمی‌رسد".

محمدصادق‌روستایی دیگرمی‌گوید: "ازمدتی قبل حاجی، طمع تصاحب زمین‌های مالکین ده ازجمله سلامیان ومستوفی راکه‌مردم‌باکمک شورای ده بین دهقانان بی زمین تقسیم‌کردند، داشت. اووقاحت رابه‌جایی رساندکه باآنچه‌تا بحال غصب کرده قانع نیست وحالاچشم‌طمع به‌زمینهای تقسیم‌شده دارد."

روستائیان فریادشان ازظلم‌وستم این مالک به آسمان می‌رسد. دهقانان این روستا سالهای متمادی است‌که‌ازظلم واعمال جنایت‌آمیزاین مالک به‌تنگ آمده‌اند. دهقانان بحق ازخودسئوال می‌کنندچرا بایددرجامعه‌بعدازانقلاب هم همین ظلم‌ها وجنایات ادامه‌یابد؟ مگردر کشورما انقلاب مستضعفین نشده‌است؟ مگر نباید این پایگاه امپریالیسم را از ریشه کند؟

دراینجا بایدمتاسفانه‌اضافه‌کرد که سرپرست سپاه‌پاسداران هیچگونه اقدامی برای رفع ظلم ازدهقانان بعمل نیامده‌است. سرپرست سپاه پاسداران، برخلاف بسیاری ازپاسداران صدیق و راستین انقلاب که جانب دهقانان‌را همیشه گرفته ومی‌گیرند، علاجانب مالک غاصب رامی‌گیردوبراعمال اوصحه‌می‌گذارد.

روستائیان می‌گویند "هرگاه ازدست این فردبه سرپرست سپاه‌پاسداران شکایت کردیم، بجامارک کمونیست زدند".

درهمین رابطه اهالی روستای ولاشان شکوائیه‌ای به آیت الله منتظری نوشته‌اندکه‌درآن به‌شرح جنایات مالک واعمال غیرمسئولانه رئیس سپاه‌پاسداران اشاره شده است. روستائیان ازآیت‌الله منتظری درخواست کرده‌اندکه آقای حجت‌الاسلام امیدویا حجت‌الاسلام حسینی رابرای رسیدگی به‌شکایات آنها به منطقه اعزام کند.

اعمال زوروبیدادگریهای مالک زورگو کماکان ادامه دارد. اگرمسئولین ومقامات کشوربه مسایل دهقانان ولاشان رسیدگی نکنند، هرلحظه امکان درگیریهای جدی وخون ریزی وجوددارد. زیرامالکان بیکارننشسته‌اندومدام‌توطئه‌می‌چینندو تحریک می‌کنندوتشنج ایجادمی‌کنند.

ما ازمقامات مسئول می‌طلبیم‌باحل سریع مسئله‌زمین واجرای قانون‌دست مالک غاصب راازجان ومال ونامو س دهقانان کوتاه کنندوبا واگذاری زمین های این فردستمکار روتنبیه‌چماقداران آرامش رابه‌ولاشان بازگردانید. ادامهٔ غارت وظلم وستم‌درروستاها درشان جامعه بعدازانقلاب نیست.

بایدبه‌خواست دهقانان رسیدگی و اعتمادآنها رابه‌جمهوری اسلامی ایران جلب کرد.

دهقانان ولاشان عدالت ،آسایش و زمین می‌خواهندواین حق آنهاست. از سوی دیگررفتارسرپرست سپاه‌پاسداران‌در شان این نهادانقلابی نیست. ومغایربا روش سایرسپاهیان صدیق وفداکاراست که‌مایه افتخارمردم وپشتیبان مردم هستند. سپاه‌پاسداران نهادی است محصول انقلاب‌که بایددراستای انقلاب گام بردارد وخوشبختانه عملکرداین‌نهاد دربسیاری ازمناطق ایران درجهت منافع زحمتکشان روستاها وانقلاب است. مسئولین سپاه‌پاسداران درهرمحل بایدخود و جوانان پرشورپاسداررا درجهت واهداف خلقی انقلاب وخدمت به مستضعفین تربیت کنندومفوف خودرا ازوجودعناصرضددهقان وطرفدارمستکبرین پاک سازند.

شوخی‌نیست...!

اعتراف "تریجه‌ها"

گروهک ضدانقلابی ـ مائوئیستی "رنجبر" که ازتحولات مثبت اخیرانقلاب ایران بخصوص پیوستن اکثریت سازمان چریکهای فدایی خلق به انقلاب ضدامپریالیستی وخلقی ایران به‌شدت "رنج" می‌برندا خیرا در"تریجه‌نامه" خوداعتراف صریح وجالبی کرده‌اندکه حیف است‌ازآن بی‌خبربمانید. این تریجه‌نامه نوشته است:

"درصفحهٔ ۳ اعلامیه ۸ تیراکثریت چنین می‌خوانیم: " امروزمقابله‌باتوطئه های بانده‌ای ضدانقلاب ارتش، متلاشی کردن محافل وباندهای ساواکی فعال شده درسراسرایران... کشف وناب‌سودی شبکه‌های سلطنت‌طلبان وجاسوسان امپریالیسم آمریکا دردرون دولت جمهوری اسلامی ایران وخارج ازآن وظیفه مبرم همه نیروهای مبارزوانقلابی است..." ("رنج"برشماره ۷۷).

تریجه‌ها ازاین هشداربه شدت وحشتزده می‌شوندوفورا درجندبندپایبستر فریادبرمی‌آورند"ناگفته نماندکه‌تهدید علیه "حزب" مانیزدراین اعلامیه آشکارا مشهوداست.. وظیفه‌ماتودی جاسوسان آمریکا که "اکثریت" برای "نیروهای مبارز" تعیین کرده‌است ابعادنگران کننده‌ای می‌یابد..." (همانجا)

ـ ظاهرا شکست "کودتای نظامی"ضربهٔ روحی "نگران کننده" ووحشتناکی به جاسوسان وعمال آمریکا واردکرده که چنین به‌صراحت اعتراف می‌کنند.....

سازمان"سیا "معتبرتره.

ـ "یک موسسه سوئدی گزارش داده که درسال ۱۹۸۰ مانند۱۹۷۹، روندافزایش صادرات نفت ودرآمدحاصله ازآن درکشور شوروی ادامه خواهدداشت... ازسال ۱۹۷۴ شوروی عمده‌ترین تولیدکننده‌ٔ نفت بوده‌وبه‌طورسنتی این کشور۲۶تا ۲۹ درصدازتولیدخودراصادرمی‌کرده‌است..." (جمهوری اسلامی ۳۰ تیر).

ـ روزنامهٔ پیام جبههٔ ملی ضمن گزارشی ازسازمان"سیا" دربارهٔ نفت "روسها" می نویسد: " ولی آقای پیپر دیپوری رئیس انستیتوی نفت فرانسه می‌گویداین باورکردنی‌نیست وخودچنین نظرداده که... گزارشات... سازمان سیابنظرمن معتبرترازاظهارنظر... سازمان نفت سوئداست..." (پیام جبههٔ ملی ـ ۲۲ تیر).

ـ زورکه نیست، سازمان سیا معتبر تره..

دلیل تازه "سازش"

رفیقی گفت: "خبرگزاریها "اطلاع داده‌اند کوه آتشفشان "کورلانستا" در "روسیه" همزمان باکوه آتشفشان "سنت هلن" درآمریکا شروع به آتشفشانی‌کرده است. شمیدانی چرایکی ازروزنامه‌ها این مطلب راباتیتردرشت "همصدایی کوههای روسی وآمریکایی"به‌چاپ رسانده است؟

طریفی پاسخ داد: حتما دارندبدنبال دلیل داغ وعمیق وپرسروصدایی برای "سازش ابرقدرتها" می‌گردند!!

اجرای فوری اصل قانون اساسی درمورد ملی کردن بازرگانی خارجی وایجاد بخش دولتی درتوزیع فرآورده‌های مورد مصرف همگانی، یگانه راه برای کنترل قیمتها وجلوگیری از غارت سرمایه‌داران بزرگ، دلالان ومحتکران است

اعلامیه‌کمیتهٔ مرکزی فرقه...

بقیه‌ازصفحهٔ اول

آماج توطئه‌های خائنانه خودقرارداده است، هرگونه درگیری تشنج وتفرقه، سازمان یافته‌ازطرف افرادناآگاه یا انحرارطلب ویاازطرف ضدانقلاب فقط و فقط درخدمت مستقیم‌به‌نیات پلیدامپریالیسم آمریکاست. اعضاء وهواداران حزب تودهٔ ایران باحرکت‌ازمشی انقلابی ومسئول خودازدرگیری ومقاومت بامهاجمین به‌دفترحزب اجتناب جستندوبرای پیشگیری ازهرگونه حادثه باتلفن مقامات‌انتظامی رادرجریان امرقراردادند. جای بسی تاسف است‌که افرادانتظامی شورای مرکزی کمیته‌وسپاه‌پاسداران نه‌تنها درحفظ نظم وپاسداری ازحریم‌قانون اساسی اقدامی مقتضی بعمل نیاوردند بلکه باکمال تعجب‌ضمن بازداشت ۲۴ ساعته ۱۲ تن ازرفقای حزب، اشیاء و اثاثیه موجوددردفترحزب توسط افراد کمیته بازرسی انقلاب اسلامی خارج شده‌و باعث خساراتی درحدود/۱۲۵۰۰۰۰ ریال گردیدند.

درشهرهای مختلف آذربایجان نیز دفاترحزب موردتهاجم‌ضدانقلابیون قرار گرفت، بعضی ازآنها به‌آتش کشیده‌شده‌از جمله اردبیل وبرخی‌دیگر"فاتحانه "تسخیر وتخریب شدازجمله سراب وزنجان وهمچنین برخی ازکتابفروشی‌های حزب ودکه‌های فروش روزنامه‌ها نیزبا تهدیدبسته ویا به‌آتش کشیدند. که‌میتوان ازشهرهای سلماس ومرندنام‌بردکه‌عوامل سازمان یافته ومتشکل ضدانقلابیون تلفات‌مالی فراوانی ببارآوردند. این حوادث در آذربایجان بدنبال سلسله‌اقداماتی در سرتاسرایران صورت می‌گیردکه‌اهداف و جنبه‌های زیرین درآن متبلوراست:

۱. بدنبال افشاء توطئه‌های امپریالیسم آمریکا علیه‌جمهوری‌اسلامی ایران که‌دامنه‌ای خطرناک بخودگرفته و ضدانقلاب دیوانه‌واردست به‌اقدامات سبعانه‌ای زده وبا حمله‌به‌حزب تودهٔ ایران ضمن انتقام‌جوئی ازایثارگران پشتیبان صادق انقلاب شکوهمند مردم‌ایران، خوداهداف ضدامپریالیستی وخلقی‌انقلاب راموردتهاجم قرارداده‌است. ضدانقلاب بااستفاده ازتمام‌عناصرخودرنهادهای مختلف ازجمله ارتش واداراتودرمواردی کمیته‌ها وسپاه‌پاسداران وماسک اسلامی باشعارهای ضدکمونیستی وضدآزادیهای دمکراتیک که‌خوشایندنیروهای راستاست انحرارطلب است، عمداجوی رابوجود آورده‌است که‌تنها نتیجه‌آن تشدیدتفرقه وتشنج درجامعه‌است، که‌قسمتی ازنقشه‌های شوم امپریالیسم آمریکارا تشکیل می‌دهد.

۲. نیروهای انحرارطلب باتوجه‌به امیال تنگ نظرانه‌خودودر عین‌حال‌برای مهیا بالارفتن نفوذمعنوی حزب تودهٔ ایران همیشه ازشیوه‌های خشونتبار تمسک جسته وبااین شیوه‌برخودنه‌تنها امپریالیزم امریکا بعنوان دشمن شمارهٔ یک مردم ایران اززیرضربه خارج میشود بلکه بهترین شرایط درایران بوجود می‌آیدکه‌ضدانقلاب درزیرپوشش شعارهای انحرافی نه‌تنها بی‌ضرربه انقلاب بلکه‌با کمال تاسف درمواردی یا رانقلاب جلوه‌گر گردد.

کمیتهٔ مرکزی فرقهٔ دمکرات آذربایجان ـ سازمان حزب تودهٔ ایران درآذربایجان ضمن هشداربه مسئولین امر نسبت به حساسیت اوضاع واهداف ضدانقلاب ازآنان می‌خواهدکه باتوجه‌به مسئولیت اجرائی آنها درقبال حفظ وحراست حریم قانون اساسی جمهوری هرچه زودتردر اعاده دفاتروامول فرقه‌دمکرات‌آذربایجان ـ سازمان حزب تودهٔ ایران در آذربایجان درشهرهای تبریز ـ اردبیل زنجان ـ سراب ـ تسریع بعمل آورند. مسئولین بایستی حساسیت خطرناک لحظه کنونی و تکوین توطئه‌های امپریالیسم دراثراقداماتی چون حمله به‌دفاتررا که سرعت بیشتری بخودمیگیرددربابندومانع ازفعالیت گسترده ضدانقلاب درزمینهٔ حمله به‌آزادیهای دمکراتیک گردند.

کمیتهٔ مرکزی فرقهٔ دمکرات آذربایجان ـ سازمان حزب تودهٔ ایران درآذربایجان

توجه!

پس از اشغال دبیرخانهٔ کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران ودفترنامهٔ "مردم" ارگان مرکزی حزب از سوی عناصر غیرمسئول، یکباره روزنامه‌ای بنام "مردم" درکیوسکها نمایان شد. لازم به توضیح است، که امتیاز روزنامهٔ ضد فاشیستی "مردم" را زمانی رفیق صفر نوعی بعهده داشت، که یکی از اعضای وفادار حزب تودهٔ ایران بود. ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران دردوران مهاجرت نیز سالهای متمادی با این نام انتشار می یافت.

پس از انقلاب، کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران برای تجدید امتیاز روزنامه "مردم"، ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران به مقامات دولتی مراجعه کرد، ولی آقای هوشنگ نوعی، فرزند رفیق صفر نوعی، که هیچگونه پیوند آرمانی وسازمانی با حزب تودهٔ ایران ورفیق صفر نوعی ندارد، مدعی "ارث" شد وبرای دست کشیدن از این ادعا از حزب ما مبلغ ۱۰ میلیون ریال باج خواست. حزب تودهٔ ایران، که از پرداخت چنین باجی معذور بود، درخواست فردنامبرده را رد کرد وارگان خود را با امتیاز رسمی زیر نام "نامهٔ مردم" منتشر ساخت.

بدینوسیله، باردیگر یادآوری می‌شود، که "مردم" آقای هوشنگ نوعی، هیچگونه ربطی با "نامهٔ مردم"، ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران ندارد.

سیاست خارجی ایران...

بقیه از صفحهٔ اول

کمک به "مسلمانان" مبارز افغانستان را شاه ملعون برحسب دستور "سیا" آغاز کرد. دربایگانی وزارت امورخارجه می‌توانید اسنادکافی دراین زمینه بدست بیاورید. تنها دلیلی که شما درتبرئهٔ سیاست خودتان می‌آورید این است که همهٔ دولتها مثل هم هستند، همه وابسته‌اند یا به غرب یا به شرق. این یک عوام‌فریبی خطرناک است که عملا به سود دشمنان انقلاب ایران است. شما ادعا می‌کنید که مثلا هندوستان وابسته به ابرقدرت شرق است وپاکستان به ابرقدرت غرب، بنابراین گویا از دیدگاه منافع ایران هیچ فرقی بین آنان نیست. این استدلال عملا برای لوث کردن مسئله بکار گرفته می‌شود تا بتوان سیاست نزدیکی به پاکستان را تبرئه نمود واین واقعیت را از دیده‌ها پنهان داشت که ترکیه وپاکستان اعضای سنتو بودند و تغییری درسیاست خودنداده‌اند. اتحاد با پاکستان عبارت است از اجرای سیاست سنتو بدون سنتو.

تمام کسانی که به امور سیاست بین‌المللی واقفند، ازجمله "ناحب منصبان" بلندپایه وزارت امورخارجه که آقای قطب زاده را دراین مسیر شناسائی شده به‌سوی نزدیکی با امپریالیسم امریکا پیش می‌راندند بخوبی اطلاع دارند که هندوستان سیاست مستقلی دارد که آنرا به‌پیروی از منافع مردم درهمکاری با اتحاد شوروی دنبال می‌کند ودردنبالهٔ این سیاست است که هندوستان به‌ترقیات اقتصادی شگرفی دست یافته است، اما پاکستان دراثر وابستگی شدید اقتصادی به غرب بصورت یکی ازعقب مانده‌ترین کشورهای جهان باقی مانده است. واژه‌ها معنا ومفهوم مشخصی دارند. همکاری و وابستگی دومقوله بکلی جدائی هستند. در جهان امروز هیچ کشوری ازهمکاری باسایر کشورها بی‌نیاز نیست، همکاری وابستگی نمی‌آورد، آنچه وابستگی می‌آورد روابطی است که دولتهای سلطه‌گر به‌نفع انحصارات بزرگ سرمایه‌داری ازطریق دست نشاندگان خود، کسانی مانند محمدرضا پهلوی وضیاء الحق برخلقها تحمیل می‌کنند.

آقای قطب زاده به‌تمام مخالفانش حمله می‌کند تا سیاست غلط خود را تبرئه کند. او حزب تودهٔ ایران، حزب شهیدان را "وابسته به روسها" می‌نامد وادعا میکند که گروههای اسلامی نیز تحت تاثیر حزب ما قرار گرفته‌اند. ما افتخار می‌کنیم که مواضع حزب ما هرروز بیشتر صحت خود را به اثبات می‌رسانند، اما آنچه همه را در قطب مخالف آقای قطب زاده جای داده تنها نوشته‌های ما نیست بلکه سیاست خطرناکی است که وزارت امورخارجه ایران در برضد منافع انقلاب ایران درزمان تصدی ایشان درپیش گرفته است. آقای قطب زاده نمی‌توانند درتمام مدت تصدی خودیک موفقیت کوچک هم که باشد برای سیاست خارجی ایران نام ببرد. این را همه می‌گویند و آقای صادق قطب زاده نیز همه را تخطئه می‌کنند. باید از زبان شاعر به ایشان پاسخ داد:

ای فلان، دعوی توقابل اظهار که نیست
تو یکی خوب وهمه زشت سزاوار که نیست.

نامهٔ مردم
ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران
دارندهٔ امتیاز و مدیرمسئول
منوچهر بهزادی
خیابان ۱۶ آذر، شمارهٔ ۶۸
تلفن: ۹۳۳۴۵۹-۹۳۵۷۲۸
(عملا" در اشغال عناصر غیرمسئول است)

باروستائیان «جی‌شیر»

به روستای جی‌شیر، درع کیلومتری اصفهان می‌رویم، اولین سئوالی که برایمان مطرح می‌شود، تعداد جمعیت روستا است. بما می‌گویند که دراین روستا حدود ۱۰۰۰ نفر زندگی می‌کنند. ۱۰۰۰ نفر انسان که دربدترین شرایط زندگی می‌کنند. جی‌شیر روستایی است عقب مانده با زحمتکشانی به‌شدت استثمار زده.

شغل اصلی اکثر اهالی کارگشاورزی است، اما به علت کمی درآمد، دهقانان به‌کار درکارخانه‌ها و یا شهرهای اطراف نیز می‌پردازند.

بیشتر زمینهای مزروعی این روستا دردست سه مالک بزرگ است، که دهقانان برروی آن کار می‌کنند. محصول نصف به‌نصف بین دهقانان ومالک بزرگ تقسیم می‌شود. دراینجا استثمار بصورت مناصفه وجود دارد. کار وکوشش از آن دهقان و نیمی ازثمرهٔ دسترنج از آن مالک بزرگ.

جویای تاسیسات ووضع رفاهی شدیم. دیدیم که این روستا یک مدرسهٔ ابتدایی دارد ولزوم احداث مدرسه راهنمایی بخوبی بچشم می‌خورد، زیرا اکثر بچه‌های ده، بخصوص دختران مجبورند بعلت نبودن مدرسه راهنمایی ترک تحصیل کنند.

کمبود ارزاق عمومی ازجمله گوشت، یکی ازمعضلات بزرگ این روستائیان زحمتکش است.

یکی ازدهقانان بنام حاج اسماعیل دراین باره می‌گوید: "ما نمی‌توانیم اینجا گوشت بومی بخوریم، راستش برای ما خیلی گران تمام می‌شود، گفتیم هفته‌ای یک مقدار ازهمین گوشتهای یخ زده به ما بدهند ولی هرچه می‌رویم ومی‌آییم به ما می‌گویند گوشت به‌شهرها نمی‌رسد چه رسد به شما!". درمشاهداتمان دیدیم که بخشی ازیک مزرعهٔ گندم خشک شده است. وقتی علت را پرسیدیم، مشهدی محمد بما توضیح داد که ۱۵ جریب مزرعه خشک شده است هرچه سعی کردیم اجازه زدن چاه را بگیریم، بما اجازه ندادند.

مالکین روستا به اشکال مختلف براین روستائیان فشار وارد می‌آورند، حتی پلی که باید برای عبور روستائیان احداث می‌شد، یکی ازمالکین با تکیه برنفوذ بسیارش آنرا روبروی باغ بزرگ خود بنا کرد ودرنتیجه روستائیان مجبورند راه درازی را طی کنند یا ازیک مسیر دیگری استفاده کنند. روستا را با یک آرزو ترک کردیم. رفاه بیشتر، رفع ظلم وآزادی واقعی برای دهقانان جی شیر.

امید است دولت انقلاب، هرچه سریعتر قانون اصلاحات ارضی را به اجرا گذارد ودست مالکان را ازروستاها کوتاه کند. درزمینه آموزش، دولت با بدوسایل و امکانات کافی دراختیار جهاد سازندگی بگذارد ودست به ایجاد مدارس ابتدایی وراهنمایی درروستاها بزند وکادر کافی جهت این کار تربیت کند وبه روستاها گسیل دارد. برای حل معضل ارزاق عمومی، با ایجاد تعاونی‌های واقعی تولید وتوزیع ومصرف درروستاها، ارزاق عمومی را می‌توان با شرایط سهل وقیمت ارزان در اختیار دهقانان قرار داد.

دهقانان جی‌شیر با مشت سمام محصول را برداشت می‌کنند. کوارا سمام روزی که دسترسی سمام مال خودشان باشد.

یک دهقان رحمکش جی‌شیر.

کار وزحمت از دهقان، بهره واستفاده از کار از مالک بزرگ. این اصل مناصفه است.

رویدادهای جهان

اعتصاب غذای زندانیان فلسطینی گسترش می‌یابد

درجلسهٔ فوق العادهٔ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، نمایندهٔ سازمان آزادی بخش فلسطین، اقدامات جدی را برای مقابله باتجاوز اسرائیل خواستار شد.

ازسوی دیگر، زندانیان فلسطینی، که در اسارت صهیونیست‌ها هستند وچندروز پیش دوشن ازهمرزمانشان درحین "بازجویی" جان سپردند، پیامی برای یاسرعرفات، رهبر سازمان آزادی بخش فلسطین فرستادند. آنها، دراین پیام اعلام داشتند، که به اعتصاب غذای خود علیه شرائط غیرانسانی زندانهای اسرائیل ادامه خواهند داد. دراین میان، زندانیان فلسطینی دیگر زندان‌های اسرائیل، ازجمله درنواز غزه نیز، دست به اعتصاب غذا زده‌اند.

*

کشورهای سوسیالیستی ازتبدیل اقیانوس هند به منطقهٔ صلح پشتیبانی میکنند

کمیسیون ویژه سازمان ملل برای اقیانوس هند قصد دارد کنفرانسی برگزار کند، که درآن طرحی برای تبدیل این اقیانوس به منطقهٔ صلح تهیه شود.

این کنفرانس قرار است درسال ۱۹۸۱ درکلمبو، پایتخت سری لانکا، گشایش یابد. پیشنهاد برگزاری کنفرانس نامبرده، که به ابتکار برخی ازکشورهای منطقه به کمیسیون ارائه شد، باپشتیبانی جمهوری دمکراتیک آلمان، چکسلواکی، بلغارستان، لهستان ورومانی، که برای نخستین بار درنشست کمیسیون ویژه شرکت می‌کردند، روبروگشت.

نقش فعال دولت بعثی...

بقیه از صفحهٔ اول

در اعلامیه‌های کمیتهٔ مرکزی حزب ما در "نامهٔ مردم" ارگان مرکزی حزب توده ایران بارها وبارها دربارهٔ جدی بودن و خطرناک بودن این توطئه‌ها هشدار داده شده است. توطئه‌ها جدی و لحظه‌ها حساس است. ولی می‌توان با هشیاری و اتحاد توطئهٔ دشمن را درهم شکست. هم‌اکنون نیز یگانه وسیله و وثیقه اطمینان‌بخش برای عقیم‌گذاردن این توطئه‌ها و شکست مرحلهٔ تازهٔ طرح‌های تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا، اتحاد همه نیروها وسازمان‌های سیاسی در جبههٔ متحد خلق و هشیاری کامل مسئولان جمهوری اسلامی ایران است.

در چنین شرایطی که عمال بعثی مرزهای ما را آرام نمی‌گذارند و باران آتش و تخریب بر سر ما می‌بارند ارگان‌های دولتی و مقامات مسئول موظفند در برابر اقدامات تفرقه‌افکنانه و حملات خودسرانه عناصر مشکوک و گروه‌های غیرمسئول به احزاب و سازمان‌های سیاسی که تمام امکانات و نیروی خودرا در حفظ دستاوردهای انقلاب وخنثی‌کردن توطئه‌های امپریالیسم امریکا به کار می‌برند، تصمیمات جدی وقاطع اتخاذ نمایند. دادستانی کل کشور به حق این اقدامات را بهانه‌خوب و زمینهٔ مساعد برای ضد انقلاب نامیده است که زیر پوشش آن نیات و افکار و نقشه‌های شوم ضد انقلابی عملی می‌شود. خاتمه‌دادن به این خودسری‌ها و نقض قانون جمهوری‌اسلامی و استقرارنظم انقلابی‌موجب می‌شود سازمان‌های پشتیبان انقلاب برای رویارویی با تجاوزات مسلحانه و مداخله نظامی از جانب امپریالیسم امریکا و عملیات تخریبی دولت بعث عراق بهتر و موثرتر بسیج شوند و جوانب‌مختلف توطئه براندازی راعقیم‌گذارند تادرنتیجه امریکا هیچ غلطی نتواند بکند.

www.iran-archive.com

برقرار باد اتحاد همهٔ نیروهای ضدامپریالیستی ودمکراتیک ایران درجبههٔ متحد خلق

درمطبوعات کشور

چه کسی اجازهٔ ترکتازی به فئودال‌ها می‌دهد؟

اهالی روستای علیشار ازبخش خرقان ساوه‌ازآینده و آزادی فئودالهای محلی تامین جانی ندارند.

بزرگ طایفه قراخانلو، حسین علی‌قراخانلو که پرونده اجحاداتش بماهالی روست دردادسرای ساوه موجود است به همراهی رشید قراخانلو نماینده رسمی امیراصلان افشار آجودان شاه بشدت ازنظارت اهالی علی انقلاب اسلامی شکوهمند ملت ایران جلوگیری میکردند و بانقشه قبلی در تاریخ ۲۳ ماه صفر ۱۳۵۷ باچماق وقداره وشمشیر به‌مسجد بزرگ علیشار حمله کردند که‌مسجد راآتش بزنند وپیشنماز رابنام شیخ‌علی شریعتی بکشند که‌توطئه ازطرف اهالی کشف و خنثی شد.

بعداز پیروزی‌انقلاب اسلامی فئودالها همچنان به‌آزاروا ذیت اهالی ادامه میدهند وماهیانه گندم وزرع اهالی می‌شوند. عده‌ای از کارگران اهل‌ده راکه‌ازشدت‌تخریب‌جهت کاربه تهران آمده‌بودندچندی پیش ایادی‌این فئودالها در میدان اعدام مضروب ساخته‌ند یا جلوماشینی که دانه جهت خوراک برغ‌حمل میکرد گرفتندوتوقیف کردندوعرصه را برروستائیان این ده تنگ نمودماند. سپاه پاسداران ساوه هرچه‌ازشکایت اهالی این روستا ازآینان‌خواسته تابدادسرای‌ساوه‌مراجعه نمایند تاقوانین تحت‌پیگرد قانونی قرار گیرندولی از مراجعات مکرر نتیجه‌ای حاصل نشده است. شماره‌پرونده علیشار دردادسرای ساوه ۱۸۴۴-۱۰ر۱۱ر۵۸ میباشد.

حاج سیدحسن موسوی شالی نماینده امام درپوشین‌زهرا نامه‌ای برای دادگاه انقلاب ساوه نوشته‌اند که تاکید کرده‌اند مساله اختلافات اهالی علیشار طایفه‌ای نیست وسالهاوابستگی گروه متخاصم به رژیم سابق‌است.

نماینده امام رئیس‌دادگاه انقلاب اسلامی‌ساوه‌ضمن تائید حمایت قائم مقام دادستان کل‌انقلاب سابق، آقای‌موسی امین حسینی از فئودالهای منطقه وضربه‌جرح اهالی توسط کمیته‌های تهران که افراد وابستگان کدخدا رشیدقراخانلو درمیان‌آنها بوده‌اند ازکمیته مرکزی‌تهران تقاضای رسیدگی کامل و استماع‌شکایت وپیگیری‌مجرمین رانموده‌اند.

مدارک موجود:

۱- نامه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی قم ۱۳۵۸/۸/۵.

۲- نامه حاج سید حسن موسوی شالی نماینده امام در پوشین‌زهرا.

۳- نامه نماینده امام رئیس دادگاه انقلاب اسلامی‌ساوه به کمیته مرکزی تهران. اطلاعات - ۵ مرداد ۱۳۵۹

اخباری از مرکز روانپزشکی رازی

درمرکز روان پزشکی رازی بیش از ۱۰۰۰ بیمار بستری هستند.

بیماران غالبا ازاقصی نقاط کشور برای درمان به‌این مرکز روی آورده‌اند. متاسفانه مدتهاست به‌علت نداشتن دارو وکمبود روانپزشک، بیمارستان به شکل آسایشگاه نگاهداری بیماران درآمده است.

درقسمت دهکده وبخشهای بیمارستان علاوه‌براینکه پزشک وجودندارد، به‌علت ضعف مدیریت، ازنظربهداشتی ونظافت وضع بسیار زننده ورقت‌باری بخودگرفته است، تاجائی‌که فاضل آب توالتها در محوطهٔ بیمارستان جاری است، ومسئولین بیمارستان با وجودآن که‌کادر کافی دراختیار دارند، اقدامی درجهت رفع نابسامانی‌ها بعمل نمی‌آورند.

ازنظرپرسنل درحالیکه‌دولت اقداماتی درارتباط با رفع تبعیض و همسان کردن وضع استخدامی کارکنان، بعمل آورده‌است، ولی‌تاکنون این مقررات دربیمارستان مذکورپیاده‌نشده است.

دراین موسسه، هم‌اکنون ۳ شکل برای استخدام وجوددارد:

۱- عده‌ای ازکارکنان مشمول مقررات قانون استخدام کشوری هستند.

۲- عده‌ای دیگرتابع مقررات‌تامین اجتماعی هستند.

۳- دستهٔ سوم مشمول قانون کارند.

همین مسئله با توجه به‌نوع کار و سایرمقررات اجرائی، این سئوال را مطرح می‌کندکه‌چرا باید این چندگانگی ازنظر استخدامی وجودداشته‌باشد؟ ودرنتیجه باعث نگرانی بیش از ۲۰۰ نفرازکارکنان مشمول قانون کار بشود؟

همچنین کارگران این موسسه، بارها ازمقامات مسئول تقاضا کرده‌اند، تاآنها هم، باکارکنانی که‌برابر سایرپرسنل انجام می‌دهند، همانندآنان مشمول قانون استخدام کشوری شوند، ولی تاکنون نتیجه‌ای عایدآنها نشده است.

چه کسانی از مرگ شاه مخلوع اظهار تأسف کردند

در مرگ فرعون خبیث، کسانی پرچم را به‌علامت سوگ نیمه افراشته ساخته‌اند. به‌فهرست آن‌ها توجه کنید، بسیار آموزنده و درخور تعمق است:

"*رادیو اسرائیل*... در بخش خبری خود، ضمن خبر مرگ شاه خائن از مرگ وی اظهار تاسف کردو شاه خائن را دوستی *وفادار* نامید". ("جمهوری‌اسلامی" - ۶مرداد ۱۳۵۹)

" *مناخیم بگین*، نخست‌وزیر اسرائیل،... طی تلگرامی به فرح، همسر شاه خائن، مرگ وی را تسلیت گفت". ("جمهوری‌اسلامی" - ۶مرداد ۱۳۵۹)

"... بختیار خائن ضمن اظهار تاسف از مرگ شاه جلاد اظهار داشت، که تاریخ در مورد وی قضاوت خواهد کرد. وی آنگاه شاه خائن را به عنوان یک حکمران معقول ستایش کرد". ("جمهوری اسلامی" - ۶مرداد ۱۳۵۹)

"... *کامیل شمعون*، رهبر فالانژیست‌های لبنال یعنی دستجات افراطی راستگرای آن‌کشور در مصاحبه‌ای... ضمن اظهار تاسف از مرگ شاه جلاد، از او به‌عنوان یک دوست قدیمی نام برد. دوستی که توانسته بود کشور بزرگی بسازد، که با کشورهای اروپایی در عظمت و ترقی رقابت می‌کرد" (!) ("جمهوری اسلامی" - ۶مرداد ۱۳۵۹)

"... دولت *انگلیس* بلافاصله پس از خبر مرگ شاه خائن، تاسف خود را اظهار داشت و اضافه کرد، انگلستان دوستی شاه با بریتانیا را فراموش نخواهد کرد." ("جمهوری اسلامی" - ۶مرداد ۱۳۵۹)

"... صوت *القاهره*" اعلام کرد، که در مصر سه روز عزای عمومی برپا شده است". ("جمهوری اسلامی" - ۶مرداد ۱۳۵۹)

"... وزیر کشور *اسرائیل* تاسف خود را از مرگ شاه مخلوع ابراز کرد و گفت: من تنها می‌توانم متاسف باشم که وی مجبور بود در سرزمینی به‌جز سرزمین پدریش بمیرد و به‌عنوان‌یک انسان (متاسفم) برای آن‌چه بر وی گذشت". ("صبح آزادگان" - ۶مرداد ۱۳۵۹)

" مقام‌های دولتی *اسرائیل*... اعلام کردند، سفیر این کشور در مراسم تشیع جنازه در قاهره حضور خواهد یافت". ("صبح آزادگان" - ۶مرداد ۱۳۵۹)

"ریچارد نیکسون، رئیس جمهورپیشین آمریکا،... دیروزگفت وی برای شرکت درمراسم تدفین شاه مخلوع به قاهره خواهدرفت. وی افزود: من به قاهره می‌روم‌تا احترام شخص خودرا نسبت به شاه نشان دهم. مرگ شاه سابق ایران درشرائط فعلی ترازدی عظیمی بوده‌است. وی، که‌ادعا می‌کردشاه سابق ایران را مدت ۳۰ سال می‌شناخت، ازاوبعنوان یکی از وفادارترین دوستان ومتحدان آمریکا یاد کردوهمچنین ازانورسادات، رئیس‌جمهوری مصر، برای پناه‌دادن به‌او تجلیل کرد".

(اخبار صدای جمهوری اسلامی ایران - ساعت ۱۴ روز ۶ مرداد ۱۳۵۹)

"وزیرخارجه تایلند... درگفتگویی با خبرنگاران گفت: ما ازمرگ شاه مخلوع ایران احساس تاسف می‌کنیم، زیرا وی روابط خوبی با تایلند داشت".

(اخبار صدای جمهوری اسلامی ایران - ساعت ۱۴ روز ۶ مرداد ۱۳۵۹)

"کیسنجر وزیرخارجه اسبق وطراح سیاستهای ایالات متحده گفت: وی دوست خوبی برای ایالات متحده بود".

(کیهان ۶ مرداد ۵۹)

دیوید راکفلر بانکدار وصاحب انحصارات عظیم امپریالیستی گفت: "امریکا بایدبیاد داشته باشدکه‌شاه چه‌خدماتی برای ما انجام داده‌است".

(کیهان ۶ مرداد ۵۹)

شاه مرد، اما...

بقیه از صفحهٔ اول

مسئلهٔ گروگانها ومهمتر از آن، برای اعادهٔ مناسبات وابستگی گذشته درچارچوبی دیگروپوششی دیگرفراهم‌سازد. در داخل کشورنیز آن محافلی که‌ازآغاز زیر اشغال جاسوسخانه چهره‌دژم کردند و خواهان ادامه مناسبات سیاسی واقتصادی وفرهنگی‌با امپریالیسم امریکا منتهی با برخی تعدیل ها وکاستی ها بودند، اکنون تلاش دارندتا مرگ شاه را آغازی برای آزادی گروگانها وتجدیدمناسبات باامریکا وانمودکنند. اما همانطورکه‌اما مبارها تاکیدکرده‌است، حل مسئلهٔ گروگانها بر عهدهٔ مجلس است، باشدتا محاکمهٔ آنان دردادگاه خلق، تریبون افشاء جنایات امپریالیسم امریکا گردد.

واما مرگ شاه برمناسبات ما با امریکا هیچ تاثیری نمی‌تواند برجای گذارد. شاه مترسک امپریالیسم ومزدور دست نشاندهٔ آن بودکه‌اگرمی‌ماندوبه ایران مستردمی‌شد، می‌بایست کیفرجنایات خودرا به‌بیندواکنون که اونیست، این امپریالیسم امریکا، مجرم ومقصراصلی، دشمن عمده‌خلقهاست که‌باید به‌تنهائی با سخگوی تمام جنایات خودبرابر مردم ایران باشد.

امپریالیسم امریکا مجرم ومقصراصلی است، زیرا اگرکودتای خائنانهٔ ۲۸مرداد بدست سازمان جاسوسی "سیا" به‌عمل در نمی‌آمد، مردم ایران ۲۷ سال پیش، گریبان خودرا ازشرایط خاندان خیانت پیشه رهاساخته ورژیمی رابرای خود برمی‌گزیدکه باسخگوی نیازهای اوباشد. تمام جنایاتی که درتاریخ ۲۵ سال اخیر کشورما، علیه منافع خلقهای ایران انجام‌شده، باطرح ودستور امپریالیسم، به‌سرکردگی امپریالیسم امریکا بوده‌است بزرگترین جرم وجنایت امریکا نقض استقلال وحاکمیت ماست. امپریالیسم امریکا ۲۵ سال منابع نفت ما را غارت کردوبه‌غارت متحدانش دراروپای غربی و ژاپن داد. میلیونها انسان بی‌برگ ونوا درفقرسیاه زیستندتا ثروت کشورما شب چراغ کاخهای بیگانه نشود. درحیات یک کشور، ۲۵ سال فرصت کمی‌نیست. فرصت مغتنمی است که‌درصورت وجودیک دولت خلقی، ابواب ترقی وتکامل برروی‌مردم گشوده‌خواهدشد. اما امپریالیسم امریکا به‌کمک مزدوری چون شاه مخلوع، کشورما را درزندان وابستگی‌ها نگاه‌داشت، راه برای ایجاد وگسترش صنایع ملی مابست و صنایع مونتاژ را برای ما به‌ارمغان آورد کشاورزی ما را منهدم ساخت تاخریدار موادکشاورزی اوباشیم، ایران را به بازار مصنوعات خودوبازار تبدیل نمود دلارهای نفتی را ازیک دست دادوبا دست دیگرگرفت ودرعوض تانک وتوپ وفانتوم فرستادتا هرمقاومتی درکشورومنطقه سرکوب شود. قوانین ما را زیرچکمهٔ جلادان خود نابودساخت وساواک ودادگاههای دربسته نظامی را بمثابهٔ سلاح سیاسی رژیم‌بر سرنوشت مردم حاکم نمود. دهها هزار میهن پرست پرشوررا بدست محمدرضا به زندانها فرستاد، به‌جوخهٔ اعدام سپردو زیرشکنجه به‌قتل رساندتا برپنجهٔ غارتگری نواستعمار رخللی وارد نیاید. امپریالیسم، فرهنگ ملی ما را نابودکرد، وفرهنگ بهیمی استعماری را جانشین آن نمود. نیروی نوآوری وزایندگی یک خلق را سترون ساخت ومیدان را به‌مشتی سفله واگذارکردتا مروج ضدارزشهای او باشند.

زمانی که‌انقلاب ایران، شاه مخلوع را چون پلاسی ازاراس قدرت بکنار افکند، امپریالیسم امریکا خصم‌خونی انقلاب و استقلال ومردم ما، دست وپائی زدتامزدور دیگری بنام بختیار را برمردم تحمیل کند، که استقامت امام این نقشه راناکام گذاشت. ۱۰ ازآن پس امپریالیسم امریکا درتدارک توطئه‌پس ازتوطئه‌است تا انقلاب را سرکوب کند. خیانتکارانی‌چون بختیار رواویسی را به‌مرزهای ایران می‌فرستد، ضدانقلاب را متشکل می‌کنند، رژیم‌های دست نشانده خودرا درمرزهای ما به‌توطئه علیه انقلاب وامیدارد، جاسوسان خودرا درلباس بازرگان وخبرنگار درون کشورما می‌فرستد، رسانه‌های گروهی را مامورمسخ چهرهٔ انقلاب وایراددشنام واتهام به‌رهبران انقلاب می‌کند. وقتی توطئهٔ طبس سرنمی‌گیرد، توطئهٔ ۱۸تیر را سازمان می‌دهدوچون این توطئه‌کشف می‌شودونا موفق می‌ماند، درکارتسدارک توطئه‌های دیگربرمی‌آید.

توطئه‌وتجاوزوغارت ومداخله در ذات امپریالیسم‌عجین است. این شیطان مجسم، اهل توبه‌نیست. اوایران را می‌خواهدبا ثروتهای بیشمار، موقعیت استراتژیکی ممتازونیروی انسانی پر کاروداین راه ازهیچ جنایتی علیه انقلاب ما فروگذار نخواهدکرد. باید امپریالیسم امریکا این توطئه‌گرتجاوزکار غارتگرمداخله‌جوراپرصندلی محاکمه نشاندوچهرهٔ جنایتکارآنرا به‌جهانیان نشان داد.

بایدنبردضدامپریالیستی را تشدید کردوبه‌شدت هرچه‌بیشترآن درمنطقه و جهان کمک نمود.

برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا
تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود